

تأثیر جنگ اوکراین بر آسیای مرکزی ظهور چین یا پررنگ شدن سیاست چندجانبه‌گرایی

عباس ملکی^۱

مریم هاشمی‌نژاد اشرفی^۲

چکیده

جنگ روسیه و اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ از جهات مختلفی موجب تغییرات در نظام بین‌الملل شد و چشم‌انداز توازن قوا را به‌خصوص در منطقه‌ای چون آسیای مرکزی که روسیه در آن نقش و نفوذ پررنگی دارد، دستخوش ابهام کرد. عواملی چون درگیری نظامی روسیه در اوکراین، و تمرکز این کشور بر توانش بابت برهم زدن معادلات به نفع خود که متعاقباً باعث تغییرات در سیاست‌های ملی و خارجی آن نیز می‌شود، مسیرهایی را برای پرسش‌های جدید باز می‌کند. همچون اینکه آیا جنگ اوکراین و تبعات آن باعث کم‌رنگ شدن نقش روسیه یا حتی می‌توان گفت هم‌زمن روسیه (به‌خصوص از منظر امنیتی) در آسیای مرکزی شده است؟ در این صورت آیا بازیگر تأثیرگذار و قدرتمند دیگر منطقه‌ای یعنی چین قرار است خلاء نفوذ روسیه را پر کند؟ یا اینکه کشورهای منطقه این بار از فرصت استفاده خواهند کرد و بازیگران دیگر منطقه‌ای هم‌چون هند، ترکیه، ایران، و یا فرامنطقه‌ای چون اتحادیه اروپا را در سیاست خارجی خود پررنگ می‌کنند؟ برای پاسخ به این سؤالات این پژوهش اهتمام داشته است، با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه و به شیوه کتابخانه‌ای، به بررسی متغیرهای منابع قدرت و نفوذ چین و روسیه در آسیای مرکزی، و تغییرات آن‌ها پس از جنگ اوکراین بپردازد.

واژگان کلیدی:

آسیای مرکزی، جنگ اوکراین، روسیه، قدرت نرم، چین، چندجانبه‌گرایی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

^۱ نویسنده مسئول و استاد سیاست‌گذاری انرژی، دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه صنعتی شریف، تهران، جمهوری اسلامی ایران. maleki@sharif.edu

^۲ فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. hasheminejadashrafi@gmail.com

مقدمه

آسیای مرکزی منطقه‌ای است که از رشته‌کوه‌های مرتفع، رود دره‌های متعدد، دشت‌های وسیع حاصل‌خیز، و صحراهای خشک لم‌بزرع تشکیل شده است. این منطقه به لحاظ تاریخی از مناطق اولیه زیست انسان‌ها بوده است. به‌ویژه ایرانیان اولیه به همراه اقوام دیگر مانند کاسپی‌ها، صغدی‌ها، خزران، و اقوام دیگر در آسیای مرکزی و در مجاورت دریای خزر زندگی می‌کردند. علاوه بر حکومت‌های محلی و خانان این منطقه، به‌صورت عمومی حکومت‌های ایرانی و سپس روسی در این منطقه حاکمیت داشته‌اند. انقلاب بلشویکی در روسیه و سپس تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باعث تسلط بی‌چون‌وچرای حزب کمونیست اتحاد شوروی و نهادهای متمرکز آن در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی این منطقه شد. فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱ مردمان این منطقه را ابتدا به‌تازگی نمود و مسئولان سابق حزب کمونیست شوروی در منطقه به‌عنوان رهبران کشورهای مستقل جمهوری‌های قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، و تاجیکستان قدرت را در دست گرفتند. دولت‌های تمامیت‌خواه یکی پس از دیگری در این منطقه بر روی کار آمده، درحالی‌که در دیگر کشورها تحولات اساسی رخ می‌داد. علاوه بر نفوذ تدریجی اروپا و ایالات متحده در منطقه، در روسیه پس از ضعف و فتور دوره بوریس یلتسین در فاصله ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، ظهور رهبری اقتدارگرا و تمامیت‌خواه یعنی ولادیمیر پوتین باعث توجه روسیه به آسیای مرکزی و برنامه‌ریزی برای همگرایی و شاید تسلط مجدد بر آسیای مرکزی گردید.

در کنار آسیای مرکزی، غول دیگری نیز در همه این سال‌ها با رشد تولید ناخالص داخلی دو رقمی و پیشنهاد دادن به همکاری‌های متعدد صنعتی، کشاورزی، و اعطای وام‌های مالی یعنی چین وارد صحنه شد. چین با پیشنهاد طرح کمربند و جاده که عمده کریدورهای آن از آسیای مرکزی می‌گذرد، به دنبال گسترش روابط با کشورهای منطقه و تأمین نیازهای انرژی خود از این منطقه شد. از سوی دیگر کشورهای آسیای مرکزی همکاری‌های خود را با دیگر کشورهای منطقه همچون ترکیه، ایران، هند، افغانستان، و پاکستان گسترش دادند. انتقال آب و گاز طبیعی از تاجیکستان و ترکمنستان به سمت جنوب و انتقال برق از جمله این‌گونه همکاری‌هاست. همه کشورهای منطقه آسیای مرکزی عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) هستند و روابط نزدیک اقتصادی و سیاسی با ایران دارند. حمله روسیه به شبه‌جزیره کریمه در ۲۰۱۴ همراه با تیز شدن گوش مقامات آسیای مرکزی نبود، چون رهبران آسیای مرکزی در جریان نقل‌وانتقال مدیریت شبه‌جزیره کریمه و الحاق آن از لحاظ حکمرانی به

جمهوری شوروی سوسیالیستی اوکراین در دوره اتحاد شوروی بودند. اما یورش نیروهای روسی در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به استان‌های شرقی اوکراین و سپس گسترش جنگ به تمامی این کشور، توجه رهبران آسیای مرکزی را به خود جلب کرد. اقدامات روسیه در میان بخشی از نخبگان و مردم آسیای مرکزی موجب ادراکات تهدیدآمیز امنیتی و سیاسی از سوی کرملین شده و هرکدام از کشورها به نوعی به این اقدام عکس‌العمل نشان دادند.

فرضیه این پژوهش بر این است که جنگ اوکراین موجب مبهم شدن چشم‌انداز نفوذ روسیه در آسیای مرکزی شده که در صورت ادامه شرایط جنگی، یا بخش بزرگی از خلاء نفوذ و منابع قدرت روسیه توسط چین، که از مهم‌ترین بازیگران نقش‌آفرین در این منطقه بوده است، پر خواهد شد و یا شاهد نقش‌آفرینی بیشتر کشورهای مهم منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه، و هند، یا فرمانطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی خواهیم بود.

ادبیات پژوهش. جنگ روسیه و اوکراین تغییرات ژئوپلیتیک قابل توجهی را در آسیای مرکزی به ارمغان آورده و کشورهای منطقه را به تنظیم مجدد سیاست‌های خارجی خود و ایجاد تعادل در روابط با قدرت‌های بزرگ سوق داده است. یک موضوع کلیدی که در مقالات و نوشته‌های موجود، روشن می‌شود، احتیاط آسیای مرکزی در مورد اتکای بیش‌ازحد به روسیه است که فرصت‌های بالقوه‌ای را برای چین برای گسترش نفوذ اقتصادی خود از طریق طرح کمربند و راه^۱ باز می‌کند. طرح کمربند و راه یک پروژه زیرساختی و تجاری عظیم است که در سال ۲۰۱۳ توسط چین در آسیای مرکزی معرفی شد. این پروژه شامل توسعه مسیرهای تجاری زمینی و دریایی بین چین و اوراسیا، آفریقا و فراتر از آن است. کمربند به مسیرهای زمینی موسوم به کریدورهای اقتصادی بین آسیای مرکزی، روسیه، خاورمیانه و اروپا، و "طرح راه" به خطوط کشتیرانی دریایی از سواحل چین بین آسیای جنوب شرقی، اقیانوس هند، آفریقا و به سمت دریای مدیترانه اشاره دارد. طرح کمربند و راه شامل سرمایه‌گذاری در جاده‌ها، راه‌آهن‌ها، بنادر، خطوط لوله، نیروگاه‌ها و موارد دیگر برای بهبود ارتباطات برای تجارت در سراسر این مناطق است. طبق برخی برآوردها، چین تاکنون بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار در کشورهای شامل این طرح سرمایه‌گذاری کرده است که کشورهای آسیای مرکزی از مهم‌ترین قطعه‌های این جورچین بزرگ منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای هستند (Quadri and et.al., 2023) (Freeman and Helf and McFarland, 2023).

^۱. Belt and Road Initiative (BRI)

با این حال، رشد چین با محدودیت‌هایی از جمله احساسات ضد چینی و رقابت با روسیه مواجه است. با وجود تمرکز روسیه بر اوکراین، این کشور همچنان در حوزه امنیتی بر آسیای مرکزی مسلط است و این منطقه را حوزه نفوذ خود می‌بیند. همچنین نگرانی‌هایی بابت تداوم وجود بدهی به دلیل شرایط نامطلوب تأمین مالی پروژه‌های طرح کمربند و راه، نگرانی‌های فزاینده‌ای در آسیای مرکزی در مورد پذیرش بدهی‌های بیش‌ازحد به چین به وجود آورده است که می‌تواند اشتیاق برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در این طرح را کاهش دهد. در این میان در افکار عمومی و نخبگان آسیای مرکزی نسبت به اهداف چین در منطقه فراتر از صرفاً اهداف اقتصادی، سوءظن‌هایی وجود دارد و آن‌ها را در مورد اتکای بیش‌ازحد به چین محتاط می‌کند (Stronski, 2022).

در سال‌های اخیر، دیدگاه‌ها و سیاست‌های کشورهای آسیای مرکزی در حوزه روابط بین‌الملل، به نحوی تغییر کرده‌اند که تمرکز آن‌ها بر چندجانبه‌گرایی و تقویت ارتباطات درون منطقه‌ای بیشتر شده است. به جای وابستگی به یک قدرت خارجی واحد، این کشورها از هماهنگی با چندین کشور برای تحقق اهداف اقتصادی و سیاسی خود حمایت می‌کنند. دیدگاه چندجانبه‌گرایی به معنای توجه به همکاری و هماهنگی با چندین کشور و گروه‌های منطقه‌ای است. این رویکرد نشان‌دهنده ترکیب مناسبی از همکاری‌های چندجانبه، دوجانبه و توسعه همبستگی‌های منطقه‌ای برای توسعه و تقویت امنیت منطقه است. یکی از جوانب مهم در دیدگاه کشورهای آسیای مرکزی، تمرکز بر ارتقای ارتباطات درون منطقه‌ای است. این ارتباطات شامل تقویت تبادلات تجاری، همکاری‌های اقتصادی، تبادل فرهنگی و آموزشی، و همچنین تقویت همبستگی‌های سیاسی در منطقه می‌شود. این اقدامات باعث تقویت ارتباطات اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای منطقه شده و در نتیجه، توسعه پایدار را ترویج می‌کنند. یکی دیگر از جنبه‌های مهم در دیدگاه کشورهای آسیای مرکزی، تمرکز بر تعادل قدرت و هماهنگی میان کشورهای منطقه است. این کشورها با همکاری و برقراری توازن میان قدرت‌های منطقه‌ای، از تنش‌های احتمالی در منطقه جلوگیری می‌کنند و از مواجهه با چالش‌های امنیتی و سیاسی در مقیاس منطقه‌ای جلوگیری می‌کنند. دیدگاه کشورهای آسیای مرکزی نشان می‌دهد که این کشورها به تقویت همکاری‌های چندجانبه و ارتقای ارتباطات درون منطقه‌ای توجه ویژه‌ای دارند. این رویکرد به طور کلی باعث توازن در منطقه و ترویج توسعه پایدار می‌شود و با همکاری مناسب میان کشورهای منطقه، می‌تواند به ارتقاء رفاه و امنیت در این منطقه منجر گردد (Engvall, 2022) (Cooley, 2023) (Dadabaev and Sonoda, 2023).

این درحالی است که برخی استدلال می‌کنند که بحران اوکراین می‌تواند فرصتی مناسب برای چین باشد تا نقش بیشتری در منطقه آسیای مرکزی ایفا کند. چین با بهره‌گیری از این شرایط جدید، می‌تواند توانایی جایگزینی حضور نظامی روسیه را داشته باشد و در موضوعات امنیتی و اقتصادی در این منطقه مداخله کند (Freeman and Helf and McFarland, 2023). البته برخی دیگر معتقدند روسیه با بهره‌گیری از تجربیات و زیرساخت‌های سیاسی و امنیتی در منطقه همچنان در زمینه‌ی امنیت تأثیرگذاری جدی دارد. این کشور با داشتن منابع و امکانات نظامی، همچنان توانایی حفظ و تقویت امنیت در منطقه‌ی آسیای مرکزی را داشته و همچنان در حوزه امنیتی مسلط است. با این حال تداوم جنگ در اوکراین ممکن است باعث کاهش تمرکز روسیه در این منطقه شده و امکان مانور بیشتری برای چین فراهم کند، اما نباید از دست دادن تأثیرات مثبت و تجربیات روسیه در زمینه‌ی امنیت در این منطقه نیز فراموش شود. تضعیف تمرکز روسیه در منطقه به معنای کاهش کلی تأثیرگذاری آن نیست، بلکه یک فرصت برای ارتقاء نقش چین و همچنین توازن تقویتی بین نقش‌های کلان‌تر در ساحت جهانی است (Eldem, 2022).

در کل، کشورهای آسیای مرکزی به‌جای رویارویی یا هم‌سویی آشکار، به‌طور ماهرانه از طریق لفاظی‌های دیپلماتیک و ارتباط با شرکای دیگر مانند اتحادیه اروپا، ترکیه، و هند، از کاهش وابستگی به مسکو خبر می‌دهند؛ اما اقداماتی مانند محکومیت آشکار روسیه با توجه به روابط نزدیک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاکنون کمتر دیده شده است (Khan and Koch, 2021). از سوی دیگر، جنگ اوکراین و تداوم تحریم‌ها در برابر روسیه، از جمله موضوعاتی است که تأثیرات گسترده‌ای بر روابط بین‌المللی، به‌ویژه بر راهبردهای پیش روی ایران در منطقه آسیای مرکزی دارد. این تأثیرات می‌تواند مسیر گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی ایران در آسیای مرکزی را هموارتر کند. هرچند ایران نگران کاهش نفوذ روسیه به نفع رقبایی نظیر ترکیه در منطقه است. این نگرانی‌ها نشان از اهمیت راهبردی آسیای مرکزی برای ایران دارد و نیازمندی به حفظ تعادل در نقش‌های مختلف در این منطقه را مطرح می‌کند. جنگ اوکراین از یک سو محدودیت‌ها و از دیگر سو فرصت‌هایی برای تعمیق روابط آسیای مرکزی با ایران ایجاد می‌کند. این وضعیت نشان از شرایط پیچیده و فرصت‌های بالقوه آینده ایران در مسیر تعامل با آسیای مرکزی دارد و نیاز به تعیین و تصحیح موقعیت راهبردی ایران در این منطقه را آشکار می‌سازد. تأثیرات جنگ اوکراین و تداوم تحریم‌ها بر سیاست‌های ایران در آسیای مرکزی از اهمیت بالایی برخوردار است تا با توجه به نقش راهبردی منطقه‌ای خود، برنامه‌های

کاملاً متناسب با تغییرات جاری را تدوین کرده و در مسیر تعامل با کشورهای آسیای مرکزی عقب نماند (Zheng and Jincan, 2023).

کشورهای آسیای مرکزی حتی قبل از جنگ روسیه و اوکراین سعی در کاهش نفوذ روسیه در منطقه داشتند. کشورهای آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان - دارای روابط تاریخی با روسیه هستند، اما به طور فزاینده‌ای سیاست خارجی مستقل و ایجاد مشارکت با سایر قدرت‌ها را دنبال می‌کنند. از نظر اقتصادی، کشورهای آسیای مرکزی به دلیل تجارت و بازار کار مهاجران و پیوندهای زیرساختی که از دوران شوروی به ارث رسیده است، تا حد زیادی به روسیه متکی هستند. اما اختلالات ناشی از تحریم‌ها، این کشورها را به یافتن جایگزین‌ها و تنوع بخشیدن به مشارکت‌ها، به‌ویژه با چین و اروپا سوق داده است. از نظر فرهنگی و زبانی، روسیه هنوز قدرت نرم قابل توجهی را از طریق رسانه‌ها و تاریخ مشترک اعمال می‌کند. اما کاهش تسلط به زبان روسی در میان جوانان آسیای مرکزی، به‌علاوه نقد فزاینده از دوره اتحاد شوروی، این پیوندها را در طول زمان تضعیف می‌کند. ظهور هویت‌های ملی، اسلامی، و غربی نیز سلطه فرهنگی روسیه را به چالش می‌کشد (Engvall, 2023).

بحران اوکراین باعث تسریع دوباره چینش‌های ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی شده است. درحالی‌که چین ممکن است در حال گسترش نفوذ خود باشد، چندجانبه‌گرایی و ایجاد تعادل در روابط با همه همسایگان برای جلوگیری از وابستگی بیش‌از حد به پکن یا مسکو مهم است (Sahakyan, 2021). یکی از سناریوهای جدی این است که کشورهای این منطقه حق انتخاب خود را از طریق سیاست‌های خارجی چندجانبه تقویت خواهد کرد، تا اینکه به سمت هر قدرت خارجی منفرد متمایل شود. برای ایران، اهداف منطقه‌ای‌اش با محدودیت‌هایی مواجه است، اما غلبه بر تحریم‌ها می‌تواند درها را برای تعامل با آسیای مرکزی بازتر کند.

همان‌طور که از بخش مرور بر ادبیات آشکار می‌شود، پژوهش‌های پیشین حول موضوع تبعات و تأثیرات جنگ اوکراین بر آسیای مرکزی، بر چالش نقش امنیتی روسیه در منطقه، چشم‌انداز همکاری و یا رقابت چین و روسیه در آسیای مرکزی، تلاش کشورهای منطقه بر چندجانبه‌گرایی و تبادلات با دیگر کشورها از سال‌های قبل جنگ و فرصتی که این جنگ برای آن‌ها فراهم آورده، متمرکز بوده‌اند. اما آنچه این پژوهش را از ادبیات پیشین متمایز می‌کند، این است که نویسندگان به دنبال آن هستند تا با بررسی منابع قدرت و تأثیرگذاری روسیه و چین - در چارچوب نظریات قدرت نرم، هوشمند، و تیز- به بررسی چالش‌ها و یا فرصت‌هایی که جنگ اوکراین برای نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی ایجاد کرده، بپردازند. همچنین

نویسندگان سعی دارند تا آینده‌پژوهی نسبت به وضعیت آسیای مرکزی پساجنگ و نحوه سیاست‌گذاری کشورهای این منطقه ارائه دهند.

چارچوب نظری. «قدرت نرم» در نظریه جوزف نای به بیان ساده به معنای توانایی کشورها و بازیگران در نفوذ بر دیگران (کشورها، ملت‌ها، و سازمان‌ها) و داشتن سهمی از تجارت خارجی و به صورت کلی سیاست‌های آن‌ها، بدون استفاده از اقدامات قهری، زور، قدرت بازدارندگی و نظامی، و اعمال محدودیت و تهدیدات اقتصادی است (Nye, 1990). در واقع قدرت نرم را در مقام مقایسه و تضاد آن با قدرت سخت می‌توان تفسیر کرد. جوزف نای عواملی نظیر وابستگی متقابل اقتصادی، بازیگران فراملی، ملی‌گرایی در کشورهای کوچک، توزیع جهانی فناوری، و تغییر مسائل سیاسی را باعث چندتکه شدن مفهوم و عوامل قدرت می‌داند و این‌چنین تشریح می‌کند که اشکال جدید ارتباطات و حمل‌ونقل تأثیرات چشم‌گیری بر وابستگی متقابل کشورها گذاشته است. دنیای تجارت از بخش جهانی تولید رشد سریع‌تری داشته و برای اقتصادهای گوناگون اهمیت به‌سزایی پیدا کرده است. این دست از عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا شیوه جذاب‌تری از اعمال قدرت و نفوذ نسبت به شیوه قدیمی بروز پیدا کند. در واقع نای دو مولفه قابلیت جذب و اقناع (دیگری‌خواستار همان چیزی شود که شما خواهان آن هستید، به‌بیان‌دیگر شکل دادن به ترجیحات دیگری) را قدرت نرم می‌خواند و سه منبع اصلی قدرت نرم را فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، و سیاست خارجی شناسایی می‌کند.

به‌عنوان مثال، ابتکارات جهانی که با هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده کشور/کشورهای هدف همخوانی داشته باشند، می‌توانند قدرت نرم را تقویت کنند و تصویر قابل‌قبولی را در ادراک دیگری ایجاد کنند. در این راستا می‌توان از ابتکار کمربند و راه چین نام برد که طی طرح زیرساختی و تجارتي عظیم خود به دنبال تقویت اتصالات و زیرساخت‌های کشورهای منطقه هم‌چون آسیای مرکزی بوده و در این راستا با اعطای وام به این کشورها و ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا^۱ هم در جهت توسعه این کشورها و هم سیاست‌های جهانی اقتصادی خود گام مؤثری برداشته است.

البته باید خاطر‌نشان کرد که قدرت نرم تنها به ساختن تصویر مثبت محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است قابلیت سرمایه‌گذاری و همکاری‌هایی اقتصادی یک کشور در حوزه‌های خاص، و ایجاد سازمان‌های بین‌المللی حتی در حوزه‌های امنیتی-نظامی، همگی در زمره حوزه‌های جذاب یک کشور برای دیگری به حساب آیند و بنابراین زیرمجموعه قدرت نرم آن

^۱. Asian Infrastructure Investment Bank

محسوب شوند؛ همچون سازمان‌های پیمان امنیت جمعی و همکاری شانگهای که دارای جنبه‌های اقتصادی و امنیتی هستند و اکنون اکثریت کشورهای آسیای مرکزی به عضویت آن درآمده‌اند. همچنین منابع اقتصادی نیز می‌توانند زاینده قدرت نرم و هم سخت باشند. به‌عنوان مثال، در حال حاضر قدرت چین ریشه در توفیق مدل اقتصادی آن دارد. حجم و ماهیت تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، سطح فناوری، منابع طبیعی و انسانی، نهادهای سیاسی و حقوقی بازار همگی در زمره منابع بنیادین قدرت‌اند؛ اعم از سخت و نرم (Nye, 2011). بنابراین در تفاوت قدرت نرم و سخت، منابع قدرت محل بحث نیستند، بلکه شیوه اعمال و استفاده از آن‌هاست که تمایز این دو را برجسته می‌کند.

البته باید خاطر نشان کرد که همیشه و تحت هر شرایط بهترین و موثرترین شیوه نفوذ بر دیگران به‌واسطه قدرت نرم حاصل نمی‌شود. بلکه جوزف نای مفهوم «قدرت هوشمند» را به‌عنوان رویکرد راهبردی معرفی می‌کند که هر دو قدرت سخت و قدرت نرم را برای دستیابی به نتایج مطلوب در روابط بین‌الملل ادغام می‌کند. بدین معنا که تکیه صرف بر توان نظامی و تهدیدات اقتصادی (قدرت سخت) یا ایجاد جذابیت و اقناع (قدرت نرم) در چشم‌انداز پیچیده جهانی قرن بیست‌ویکم ناکافی است. در عوض، او بر نیاز به ترکیب هوشمندانه و متعادل این دو تأکید می‌کند. این دسته‌بندی از انواع قدرت، شامل دانستن زمان مناسب استفاده از منابع سنتی قدرت، و همین‌طور زمان درست استفاده از ابزارهای قدرت نرم مانند دیپلماسی، مبادلات فرهنگی و همکاری‌های بین‌المللی است. در واقع نای در تفسیر مفهوم قدرت هوشمند، این واقعیت را بازمی‌شناسد که موقعیت‌های مختلف، رویکردهای متفاوتی را می‌طلبند و استفاده راهبردی و خردمندانه از انواع قدرت برای حفظ و تقویت نفوذ یک کشور و دستیابی به اهداف آن در جهانی که به‌سرعت در حال تغییر است، کلیدی است.

همچنین مفهوم «قدرت تیز»^۱ از دیگر مفاهیم و تعاریف قدرت بود که طی سال‌های اخیر و به‌ویژه در رابطه با روسیه و چین مطرح شد: به بیانی ساده، این مفهوم به تلاش رژیم‌های استبدادی برای دست‌کاری و تأثیرگذاری بر جوامع باز از طریق طیف وسیعی از ابزارهای غیر سنتی اشاره دارد (Walker and Kalathil and Ludwig, 2020). برخلاف قدرت نرم که هدفش متقاعد کردن دیگران از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ارزش‌های مثبت و دیگر منابع قدرت است، قدرت تیز به دنبال تضعیف و دست‌کاری نظام‌های سیاسی و ارزش‌های دیگر کشورها است و با ویژگی‌هایی همچون جلوگیری از جریان اطلاعات صحیح و مستقل، ترویج

^۱ sharp power

تبلیغات و سانسور در جهت تحریف اطلاعات و کنترل افکار عمومی مشخص می‌شود که اغلب از طریق دست‌کاری رسانه‌ها، تأمین مالی گروه‌های سیاسی و استفاده از اهرم‌های اقتصادی برای پیشبرد منافع رژیم‌های استبدادی به‌دست می‌آید. هدف نهایی قدرت تیز تضعیف نهادهای دموکراتیک، ایجاد تفرقه و شکل دادن به روایت‌ها، به‌گونه‌ای است که در راستای منافع رژیم باشد. این شقه از قدرت می‌تواند به اشکال مختلف و از طریق کانال‌های متفاوت ظاهر شود. می‌توان از طریق پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی برای انتشار اطلاعات نادرست و ایجاد اختلاف بین مخاطبان هدف استفاده کرد. همچنین می‌تواند شامل تأمین مالی و حمایت از گروه‌های پوپولیست یا افراطی برای برهم زدن انسجام اجتماعی و تضعیف اعتماد به نهادهای دموکراتیک باشد. اجبار اقتصادی و کنترل بر زیرساخت‌های حیاتی در کشورهای خارجی نیز از دیگر تاکتیک‌های مورد استفاده برای اعمال نفوذ هستند.

به‌عنوان مثال، طی سال‌های اخیر بهره‌گیری چین از قدرت تیز مورد توجه قرار گرفته و گفته می‌شود که این کشور از قدرت اقتصادی خود برای گسترش نفوذ در کشورهای منطقه، هم‌چون آسیای مرکزی استفاده می‌کند. به این صورت که چین از طریق سرمایه‌گذاری، وام‌ها و پروژه‌های زیربنایی، اهرمی علیه کشورهای متعدد به‌دست آورده که در واقع می‌تواند از این نفوذ اقتصادی برای شکل دادن به سیاست خارجی، جذب حمایت دیپلماتیک و سرکوب انتقادهای داخلی و بین‌المللی استفاده کند (Shao, 2019).

۱. هژمون روسیه در آسیای مرکزی پس از جنگ اوکراین

خارج نزدیک اصطلاح و مفهومی منحصراً روسی است که به کشورهای اتحاد جماهیر شوروی (سابق) اطلاق می‌شود، میراثی که مسکو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به ارث برد. روسیه به‌طور ویژه نفوذ معناداری بر کشورهای حوزه خارج نزدیک خود دارد، که معمولاً توجه کمی به نقش این منطقه در سیاست خارجی روسیه می‌شود. در واقع نفوذ و نقش خارج نزدیک بر دیپلماسی روسیه بسیار قابل توجه است. این منطقه تا حدی ساختار دیپلماسی روسیه را تعریف می‌کند، همچنین تعیین‌کننده اهداف آن بوده، و بر تفکر دیپلماتیک روسیه اثرگذار است. به‌علاوه خارج نزدیک همواره نقطه مواجهه و تقابل میان روسیه و آمریکا/غرب بوده است (Huasheng, 2021). کورتوج معتقد است که روسیه در کنار منافع اقتصادی، و در صورت نیاز اعمال فشار سیاسی بر مصرف‌کنندگان نهایی، بیش از دیگران از ثروت انرژی خود برای

حفاظت و ارتقاء منافع خود در خارج نزدیک‌اش استفاده می‌کند. البته تمایز میان انگیزه‌های صرفاً اقتصادی، و انگیزه‌هایی که برای اهداف سیاسی استفاده می‌شوند، دشوار است. به هر طریق سیاست انرژی خارجی روسیه محصول هر دو جنبه سیاسی و اقتصادی است (Korteweg, 2018)، و ظرفیت و چشم‌انداز انرژی آسیای مرکزی نقش قابل توجهی در سیاست خارجی روسیه ایفا می‌کند. آسیای مرکزی یکی از حوزه‌های خارج نزدیک روسیه، یک منطقه محصور در خشکی و دارای پنج کشور غنی از منابع معدنی است که با افغانستان، جمهوری خلق چین، ایران و روسیه همسایه می‌باشند (Blackwood et al., 2023). این منطقه علاوه بر اینکه حوزه نفوذ روسیه پساشوروی محسوب می‌شود، به دلیل برخورداری از تعداد قابل توجه جوامع روس و روس‌زبانان، به لحاظ فرهنگی همواره از نفوذ قابل توجه روسیه متأثر بوده است. آسیای مرکزی حوزه‌ای با اهمیت از رقابت جهانی برای سه دهه بوده و روسیه، چین، ژاپن، کره جنوبی، ایران، ترکیه، ایالات متحده، و عربستان سعودی تعدادی از نیروهای متخاصم منطقه بوده‌اند. از این میان، چین از طریق ایجاد وابستگی متقابل پیچیده اقتصادی و به‌واسطه ابتکار کمربند و راه که برای اولین بار در سپتامبر ۲۰۱۳ در قزاقستان معرفی شد، توانست از رقبای خود پیشی بگیرد (Olimat, 2023).

• **حوزه نفوذ روسیه در وضعیت بعد از جنگ.** تهاجم مجدد روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ کشورهای آسیای مرکزی را هم از نظر اقتصادی و هم از نظر دیپلماتیک در موقعیت دشواری قرار داده است. این در شرایطی است که دولت‌های این منطقه با طیفی از چالش‌های داخلی و منطقه‌ای مواجه هستند (Blackwood et al., 2023). در میان کشورهای آسیای مرکزی طی سه دهه گذشته، قزاقستان به‌عنوان یک کشور نفتی به لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه بیشترین نزدیکی و همبستگی را با روسیه و با اقتصاد آن داشته است. این کشور پیوسته از تهاجم روسیه به اوکراین فاصله گرفته و در عین حفاظت از روابط دو جانبه خود با مسکو، روابط خود را با کشورهای مختلف تنوع بخشیده است (Blackwood et al., 2023). باید توجه داشت که امروز روسیه به لحاظ ژئوپلیتیکی به میزان زیادی به قزاقستان وابسته است. وابستگی مسکو به این کشور هم به لحاظ صادرات انرژی به ضلع جنوبی یعنی آسیای مرکزی، و هم به لحاظ حفاظت از صادرات به چین تا زمان تحقق خط لوله گاز طبیعی «قدرت سیبری دو» اهمیت دارد (Kaya, 2023). قزاقستان هم به لحاظ ژئوپلیتیکی و هم از منظر داخلی در حال تغییر است. به‌طور کلی نتیجه جنگ اوکراین از دو منظر برای این کشور تعیین کننده است: الف- ارتباط آن با روسیه و سایر شرکای بین‌المللی‌اش و ب- توانایی آن

برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی، به‌نحوی که این اصلاحات پیش شرط ایجاد یک نظام باثبات‌تر، عادلانه و شفاف به لحاظ سیاسی خواهد بود، و امکان استفاده بازیگران خارجی از جمله روسیه را از آسیب‌پذیری‌های داخلی قزاقستان کاهش می‌دهد. امروز اتحادیه اروپا علاقه خود را برای تعامل بیشتر با قزاقستان نشان داده و می‌تواند به این کشور برای گذار از این مقطع حساس و بحرانی، از طریق حمایت از تغییرات داخلی آن کمک کند (Dumoulin, 2023).

• ژئوپلیتیک و سیاست‌گذاری انرژی. در حالی که اتحادیه اروپا برای تنوع بخشیدن به منابع انرژی و بهبود امنیت انرژی خود تلاش می‌کند، قزاقستان به دنبال راه‌هایی برای پایان دادن به اتکای صادرات نفت خود به زیرساخت‌های روسیه است. اگرچه نفت قزاقستان نوشدارویی برای وابستگی اتحادیه اروپا به نفت روسیه به شمار نمی‌رود، اما از نقش حیاتی در تلاش اروپا به‌منظور تنوع بخشی به عرضه انرژی برخوردار است؛ چرا که عرضه انرژی تنها راه‌حل برای دستیابی به امنیت عرضه برای اروپا است (Nakhle, 2023). در نهایت به نظر می‌رسد که در پی جنگ اوکراین، روابط اقتصادی روسیه با قزاقستان به‌گونه‌ای از موازنه میل کرده است؛ تا جایی که می‌تواند در آینده نه‌چندان دور، به سیاست خارجی چند برداری آن از طریق تضعیف وابستگی‌اش به مسکو کمک کند.

ترکمنستان رتبه دوم را در میان کشورهای آسیای مرکزی به لحاظ تولید ناخالص داخلی سرانه طی سه دهه اخیر داشته است. تولید گاز طبیعی ترکمنستان طی بازه ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ به‌طور متوسط ۵،۳ درصد رشد داشته است (BP, 2023). به‌علاوه ترکمنستان پس از روسیه، ایران، ایالات‌متحده، و قطر پنجمین دارنده ذخایر گاز طبیعی اثبات شده در جهان است (OPEC, 2023). سیاست «بی‌طرفی دائمی» قانون اساسی ترکمنستان در عمل به انزوای گرایشی در سیاست خارجی ترجمه می‌شود. این دولت که به لحاظ اقتصادی به‌شدت به چین وابسته است، به‌ندرت درباره رویدادهای بین‌المللی اظهار نظر می‌کند (Blackwood et al., 2023). صادرات گاز طبیعی ترکمنستان تا سال ۲۰۱۴ که چین خریدار تقریباً انحصاری آن شد، عمدتاً به روسیه و ایران وابسته بود. اتحادیه اروپا در خط مقدم بازیگران خارجی مختلفی قرار دارد که تلاش دارند در گفتگوی انرژی با ترکمنستان شرکت کنند، زیرا به دنبال تنوع بخشی به واردات گاز طبیعی خود از طریق دور زدن روسیه است. اما رویکرد ترکمنستان به سرمایه‌گذاری خارجی، عامل اصلی دلسردکننده برای همکاری در پروژه‌های نفت و گاز با

اتحادیه اروپا است. ترکمنستان وابستگی زیادی به صادرات هیدروکربن‌ها دارد و بدون کمک خارجی، فاقد منابع مالی و فناوری برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری است (Znatta, 2023).

از طرفی تجارت ترکمنستان با چین، ایران و روسیه از زمان آغاز جنگ به میزان قابل توجهی افزایش یافته که نشان دهنده عدم پایداری این کشور به راهبرد اروپا است. این موضوع زمانی برجسته شد که مردوف وزیر امور خارجه این کشور در ۱۶ اوت اعلام کرد که کشور متبوعش برای پیوستن به کریدور شمال-جنوب برنامه دارد. او اضافه کرد که ترکمنستان به همکاری با روسیه در حوزه حمل‌ونقل ریلی، خودرو، هوایی و دریایی ادامه خواهد داد (Caspian Policy Center, 2022). به‌رغم عدم همگرایی سیاست انرژی ترکمنستان با کشورهای اروپایی به‌ویژه به لحاظ زیرساختی، شواهد گویای آن‌اند که این کشور همواره در تلاش است که پروژه‌هایی را در چارچوب وابستگی متقابل هم در جهت شرقی و هم در جهت غربی گسترش دهد. خط لوله گاز طبیعی تاپی (ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند) و خط لوله گاز طبیعی ترانس خزر از مصادیق برجسته آن می‌باشند (KANAPIYANOVA, 2022). در ماه‌های پایانی سال ۲۰۲۲، عملیات ساخت‌وساز خط لوله گاز ترانس خزر افزایش یافت که نشان دهنده اراده جدی آذربایجان و ترکمنستان است.

پس از جنگ روسیه و اوکراین، علاقه سرمایه‌گذاران غربی به پروژه‌های مستقر در خزر افزایش یافته است. خط لوله گاز طبیعی ترانس خزر دوباره در دستور کار قرار گرفته و این پروژه نه تنها موقعیت روسیه را در زمینه انرژی تضعیف خواهد کرد، بلکه با ایجاد فضایی برای اتحادیه اروپا جهت توسعه همکاری با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان، نفوذ مسکو در فضای پس از شوروی را محدود می‌کند (Agazade, 2023). به‌طور کلی در دهه گذشته، اتحادیه اروپا تلاش‌های خود را برای گسترش کریدور گاز جنوبی و جذب گاز طبیعی ترکمنستان تشدید کرده است. درواقع خط لوله ترانس خزر، گاز ترکمنستان را به کریدور گاز قفقاز جنوبی متصل می‌کند. درواقع خط لوله گاز طبیعی ترانس خزر به‌عنوان یک پیوند حیاتی، کاتالیزوری برای تغییرات بالقوه است که می‌تواند ساختار نظام بین‌المللی را برای دهه‌های آینده تحت تأثیر قرار دهد. این امر می‌تواند باعث رشد اقتصادی، ارتقای ثبات منطقه و محدود کردن نفوذ چین و روسیه در آسیای مرکزی شود (Bryza et al., 2020). به‌علاوه این‌طور به نظر می‌رسد که سیاست امنیتی ترکمنستان با تجاوز روسیه سازگار نبوده و جنگ سبب تغییر در سیاست خارجی آن شده به‌نحوی که این کشور به سمت افزایش روابط امنیتی با اروپا و ایالات متحده حرکت کرده است (Caspian Policy Center, 2022).

• موضع‌گیری کشورهای منطقه و بازیگری روسیه در سازمان‌های منطقه‌ای. در خصوص موضع کلی کشورهای آسیای مرکزی در قبال تهاجم روسیه به اوکراین باید گفت که هیچ‌یک از آن‌ها به تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه نپیوستند، زیرا روسیه هنوز هم شریک راهبردی اصلی منطقه محسوب می‌شود. قزاقستان، قرقیزستان، و تاجیکستان در مجمع عمومی سازمان ملل به قطعنامه سازمان ملل علیه روسیه رأی ممتنع دادند، و ترکمنستان و ازبکستان نیز غایب بودند و رای ندادند (Akchurina, and Dolidze, 2023). اولیئات معتقد است که رأی ممتنع قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان را می‌توان به‌عنوان محکومیت و نه تأیید اقدامات روسیه تفسیر کرد، در حالی که خودداری ازبکستان و ترکمنستان نشانه‌های آشکاری از عدم تأیید را نشان می‌دهند (Olimat, 2023). دادابایف و سونودا از رویکرد دولت‌های آسیای مرکزی در قبال مسئله اوکراین به «سکوت راهبردی» تعبیر کرده‌اند.

این سکوت راهبردی، بازتابی از واقعیت پیچیده دولت‌های آسیای مرکزی است. رهبران و مردم آن‌ها هم نسبت وابستگی‌شان به فرصت‌های آموزشی و کار در روسیه آگاهی دارند و هم از ضرورت همزیستی‌شان با روسیه و چین پس از جنگ، و نیز کشورهایی آگاه‌اند که با نیات اتحادیه اروپا/ ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی موافق نیستند. بنابراین، سکوت راهبردی رویکردی برای کشورهای آسیای مرکزی است تا هم مخالفت خود را با رویکرد روسیه در قبال اوکراین ابراز کنند و در عین حال از قربانی شدن از سوی روسیه و متحدانش به دلیل موضع آشکار ضد جنگ خودداری کنند (Dadabaev and Sonoda, 2023).

در این میان، ازبکستان چیزی را تجربه می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان «نفرین موقعیت» تعبیر کرد. این کشور در میان اوکراین، روسیه، ایالات متحده/ اتحادیه اروپا/ ناتو، و ملل متحد گرفتار شده است و سرنوشت جنگ در اوکراین تعیین‌کننده سرنوشت آن و نیز سایر کشورهای آسیای مرکزی خواهد بود (Tolipov, 2022)، چراکه به‌رغم همه حمایت‌های رسمی از طرف اوکراینی، آرای ازبکستان در مجمع عمومی سازمان ملل بحث‌برانگیز به نظر می‌رسند و با موضع اولیه آن در مورد جنگ جاری در تناقض است. در ماه آوریل، نمایندگان ازبکستان به‌مانند سایر کشورهای آسیای مرکزی، به‌جز ترکمنستان، به اخراج روسیه از شورای حقوق بشر سازمان ملل رأی منفی دادند. علاوه بر این، عبدالعزیز کومیلوف، وزیر امور خارجه ازبکستان، پس از ابراز حمایت آشکار خود از حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین و مطالبه «راه‌حل مسالمت‌آمیز» جنگ، مجبور به کناره‌گیری شد (Civic IDEA, 2022). جنگ در اوکراین و تحریم‌های بی‌سابقه اعمال شده بر روسیه، همراه با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد،

به احتمال زیاد ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی را تشویق می‌کند تا در روابط کلی خود با روسیه تجدیدنظر کنند. در مجموع، ازبکستان بدون در نظر گرفتن جنگ اوکراین و پیامدهای طولانی مدت این جنگ نمی‌تواند به روابط و همکاری خود با روسیه ادامه دهد (Tolipov, 2022).

در خصوص دو کشور دیگر آسیای مرکزی یعنی قرقیزستان و تاجیکستان نظر تحلیل‌گران این است که عموماً این دو کشور را وابسته‌تر و همسوتر با روسیه توصیف می‌کنند، اگرچه هر دو در زمینه مسائل امنیتی با ایالات متحده شریک شده‌اند، و هر دو کشور طی دهه گذشته تعامل اقتصادی و امنیتی خود را با چین نیز افزایش داده‌اند (Blackwood et al., 2023). بردیای سادیکوف، مدیر مرکز آموزش بزرگسالان در منطقه باتکن، در مصاحبه با یوراسیانست گفته است: «مهاجران ما در این کشور بزرگ (روسیه) مشغول به کار می‌باشند و اقتصاد ناب ما بر این اساس استوار است، بنابراین نمی‌توانیم به مصاف روسیه برویم» (Eurasianest, 2023). تاجیکستان به‌عنوان فقیرترین کشور منطقه به شدت تحت تأثیر تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه قرار گرفته است (Civic IDEA, 2022)، و به‌طور کلی، برخی ناظران بر این باورند که تهاجم روسیه به اوکراین آسیب‌پذیری اجتماعی و اقتصادی را در قرقیزستان و تاجیکستان که بیش از همه از رکود اقتصادی متأثر شده‌اند، افزایش داده و به تشدید درگیری مرزی قرقیزستان و تاجیکستان کمک کرده است. برخی دیگر از تحلیلگران عدم مداخله سازمان پیمان امنیت جمعی در مناقشه مرزی میان قرقیزستان و تاجیکستان را نشانه‌ای از ناکارآمدی این سازمان می‌دانند. قرقیزستان از مانورهای نظامی سازمان پیمان امنیت جمعی که در ماه اکتبر در قزاقستان برگزار شد، خارج شد و بخشی از تمرینات را که قرار بود در قلمرو آن برگزار شود، لغو کرد، مسئله‌ای که سبب شد یکی از ناظران از آن به‌عنوان «نشانه آشکار نفوذ رو به کاهش مسکو در آسیای مرکزی» تعبیر کند (Blackwood et al., 2023).

در مورد رابطه میان جنگ اوکراین و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به نظر می‌رسد که جنگ در اوکراین و تحریم‌های بین‌المللی احتمالاً تأثیری منفی بر منطقه‌گرایی اوراسیا بر جای خواهند داشت. نگرانی‌های فزاینده در مورد وابستگی بیش‌از حد به روسیه و به‌طور کلی افول اقتصادی در روسیه و فضای پسا شوروی، تمایل کشورهای اوراسیا را برای حمایت از یکپارچگی عمیق‌تر در اتحادیه اقتصادی اوراسیا کاهش می‌دهد. با این حال توجه به دو عامل می‌تواند فرصتی دیگر به منطقه‌گرایی اوراسیا دهد: الف- قابلیت اتحادیه اقتصادی اوراسیا به‌عنوان پلی برای دسترسی به بازار روسیه، و ب- تمایل دولت‌های اوراسیایی برای توسعه زیرساخت‌های

جایگزین تجاری و اجتماعی به‌نحوی که وابستگی آن‌ها را به غرب کاهش دهد. ارزیابی اهمیت عامل اول به دلیل عدم اطمینان بسیار زیاد در مورد رژیم تحریم‌ها دشوار است. در مورد عامل دوم، چین احتمالاً نقش پیشرو را در توسعه پروژه‌های یکپارچه منطقه‌ای، و تأمین مسیرها و زیرساخت‌های جایگزین برای قزاقستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی ایفا خواهد کرد.

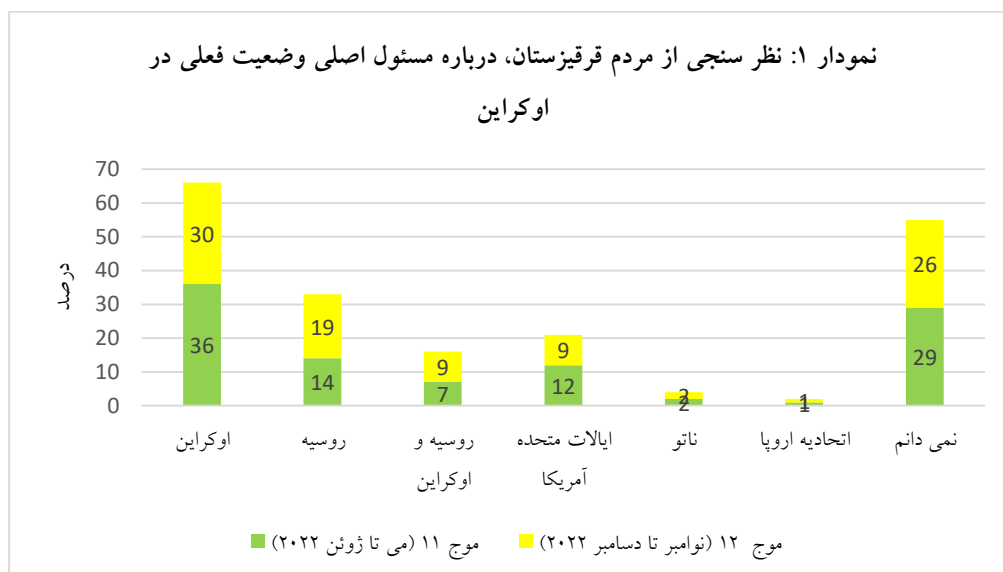
در عین حال، در شرایط کنونی، به‌سختی می‌توان تصور کرد که اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا، به‌ویژه قزاقستان، به مشارکت خود در این سازمان پایان دهند، چراکه خطر خشم روسیه از چنین حرکات نمادین و محدودیت‌های تجاری اضافی که فشارهای بیشتری را بر اقتصادهای ضعیف شده این کشورها وارد می‌کند، بسیار بزرگ خواهد بود (Libman and Obydenkova and Erik, 2022). در مجموع برخی از کارشناسان دوام بلندمدت سازمان‌های چندجانبه تحت رهبری روسیه از جمله اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان پیمان امنیت جمعی را زیر سوال می‌برند. در حالی که تأثیرات اقتصادی جنگ در آسیای مرکزی آن‌قدرها که برخی کارشناسان در ابتدا پیش‌بینی می‌کردند، وخیم نبوده است؛ کشورهای منطقه با تورم بالا و اختلال در زنجیره تأمین مواجه هستند. در پاسخ، کشورهای آسیای مرکزی به دنبال تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود و ایجاد مسیرهای ترانزیتی برای دور زدن روسیه می‌باشند (Blackwood et al., 2023).

• ادراک مردم آسیای مرکزی نسبت به روسیه. در ۲۱ آوریل ۲۰۲۳، پیمایش موسوم به فشار آسیای مرکزی یک نشست تخصصی زنده را در بیشکک قرقیزستان ترتیب داد تا در مورد پیچیدگی روابط بین جنگ روسیه و اوکراین، تصورات عمومی نسبت به آن در منطقه آسیای مرکزی، و تأثیری که این امر بر روابط بین کشورهای آسیای مرکزی و اتحادیه اروپا دارد، بحث و گفتگو کند. از درون سؤال‌های مطرح‌شده می‌توان به برآوردی از ادراک مردم منطقه آسیای مرکزی نسبت به روسیه دست یافت. این نظرسنجی از طریق تلفن و به روش نمونه‌گیری تصادفی، و در دو موج انجام شد:

الف. موج ۱۱ از می تا ژوئن ۲۰۲۲، تعداد پاسخ‌دهندگان: ۱۵۰۰ نفر از قزاقستان، قرقیزستان، و ازبکستان؛ ب. موج ۱۲، از نوامبر تا دسامبر ۲۰۲۲، تعداد پاسخ‌دهندگان: ۱۵۰۰ نفر از قرقیزستان و قزاقستان. به دلیل حساسیت سؤالات، این نظرسنجی در تاجیکستان، ترکمنستان یا ازبکستان در موج ۱۲ انجام نشد.

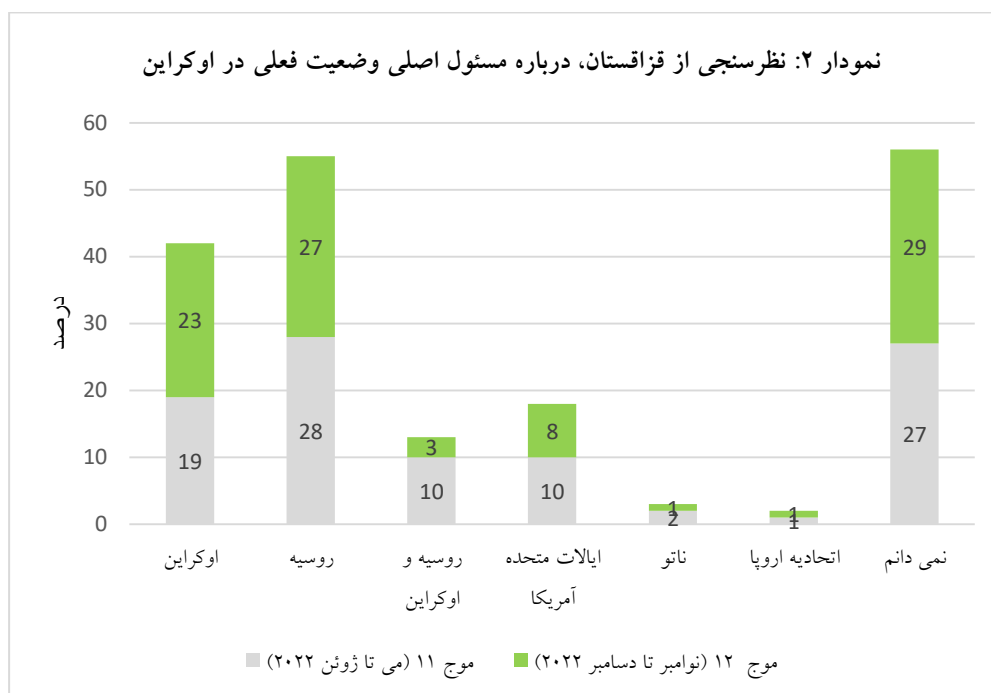
نمودار ۱ نظرسنجی از نمونه‌ای از مردم قرقیزستان را طی دو موج یا دو دوره پیش‌گفته نشان می‌دهد. اگرچه اوکراین در مجموع و طی دو مرحله از بیشترین فراوانی برخوردار بوده و

به عبارتی از نظر نمونه مورد بررسی مقصر یا مسئول وضعیت فعلی شناخته می‌شود، اما در مرحله دوم یعنی نظرسنجی نوامبر تا دسامبر ۲۰۲۲، یافته‌ها نشان می‌دهند که از سهم اوکراین کاسته شده و در مقابل سهم روسیه به عنوان مسئول وضعیت فعلی اوکراین، از ۱۴ درصد به ۱۹ درصد افزایش یافته است. البته با توجه به طرح نمونه‌گیری، و نیز اندازه نمونه نمی‌توان نظر این عده را به کل جمعیت قزاقستان تعمیم داد.



(Source: Central Asia Barometer, 2023)

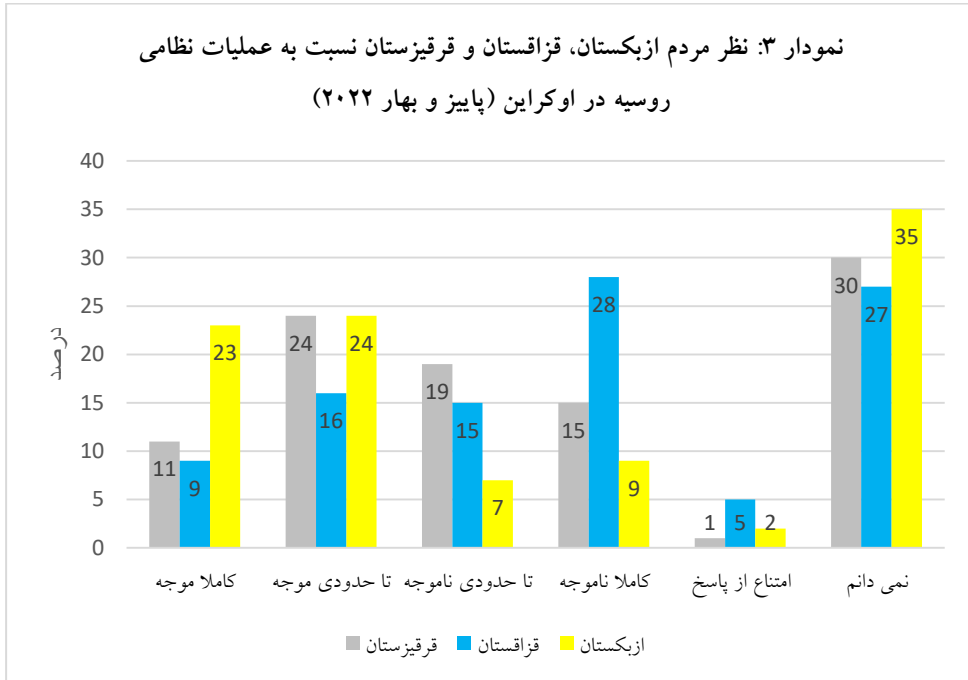
طبق داده‌های نمودار ۲، نمونه بررسی شده از مردم قزاقستان معتقد هستند که روسیه در درجه اول مسئول وضعیت فعلی در اوکراین می‌باشد، و نگاه آن‌ها طی دو دوره یا دو موج پیش گفته تفاوت معناداری نداشته است. در مرتبه بعد نیز درصد قابل توجهی هم (۲۳ درصد-موج ۱۲) معتقدند که اوکراین مسئول وضعیت فعلی می‌باشد.



(Source: Central Asia Barometer, 2023)

درباره توجیه عملیات نظامی روسیه به اوکراین از مردم سه کشور قزاقستان و قرقیزستان (پاییز ۲۰۲۲)، و ازبکستان (بهار ۲۰۲۲) نظرخواهی شد. یافته‌ها در نمودار ۳ نشان داده شده‌اند. طبق نمودار به صورت تجمعی ۳۵/۶ درصد از نمونه مورد بررسی واقع در هر سه کشور، عملیات نظامی روسیه در اوکراین را موجه دانسته‌اند، در مقابل ۳۱ درصد از نمونه مورد بررسی در هر سه کشور عملیات نظامی روسیه در اوکراین را ناموجه می‌دانند. به علاوه ۲/۶ درصد هم از پاسخ امتناع کردند و ۳۰/۶ درصد هم عدم اطلاع و آگاهی خود را از این مسئله عنوان کردند. در مقایسه سه کشور نیز، ۴۷ درصد از نمونه مورد بررسی در ازبکستان، عملیات نظامی در اوکراین را موجه، و ۱۶ درصد آن را ناموجه دانسته‌اند. در قزاقستان نیز ۴۳ درصد از نمونه مورد بررسی، عملیات روسیه در اوکراین را ناموجه و ۲۵ درصد موجه دانسته‌اند، و در قرقیزستان ۳۵ درصد از نمونه مورد بررسی، عملیات روسیه در اوکراین را موجه، و ۳۴ درصد نیز آن را ناموجه دانسته‌اند. بنابراین نمونه مورد بررسی در ازبکستان، در مقایسه با قزاقستان و قرقیزستان نظر به نسبت مطلوبی در خصوص عملیات نظامی روسیه به اوکراین داشته است. نکته قابل توجه این که در مجموع حدود ۳۳ درصد از گزینه نمی‌دانم استفاده کرده و یا از پاسخ به سوال امتناع ورزیده‌اند. در نهایت همان‌طور که گفته شد با توجه به طرح نمونه‌گیری،

و نیز اندازه نمونه مورد بررسی، نتایج این مطالعه را نمی‌توان به کلیه مردم ساکن در قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان تعمیم داد.



(Source: Central Asia Barometer, 2023)

۲. چین و آسیای مرکزی: قبل و بعد از جنگ اوکراین

در اهمیت آسیای مرکزی برای چین همین نکته کافی است که شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین، برای اولین بار، ابتکار کمربند و راه را در تور آسیای مرکزی خود و در قزاقستان معرفی کرد (Wang and Jingjuan, 2018). در این ابتکار، آسیای مرکزی به‌عنوان پیوندی اساسی و حوزه‌ای مهم برای حلقه‌های بین‌منطقه‌ای تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها قرار دارد. کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال، خطوط لوله نفت و گاز را که در دوره اتحاد جماهیر شوروی در این کشورها ساخته شده بود، به ارث بردند و صادرات هیدروکربن از سه تولیدکننده اصلی انرژی (قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان) همچنان از طریق روسیه ترانزیت می‌شد. ورود چین به منطقه، این انحصار را به حاشیه راند. پکن مدت‌ها با ساخت سه خط لوله انتقال گاز از آسیای مرکزی به چین که اولین بار در سال ۲۰۰۹ عملیاتی شد، به یکی از

بازیگران اصلی انرژی در آسیای مرکزی تبدیل شد. این خطوط لوله وابستگی بیش از حد این کشورها به خطوط لوله گاز روسیه را کاهش داد. با این حال، برای ترکمنستان این همکاری به معنای وابستگی تقریباً مطلق به چین بود؛ چرا که روسیه و ایران به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ خرید گاز ترکمنستان را متوقف کردند و تنها خریدار باقیمانده چین بود (Pirani, 2019). اکنون نیز، آن مقداری از گاز ترکمنستان که از طریق ایران به جمهوری آذربایجان سوآپ می‌شود، بسیار ناچیز و غیرقابل مقایسه با میزان صادرات گاز این کشور به چین است. قرار بود روسیه نیز واردات گاز از ترکمنستان را از سر بگیرد که در پی تهاجم این کشور به اوکراین و تحریم‌های اروپایی علیه بخش انرژی روسیه، این موضوع منتفی شد.

صنایع بزرگ تولیدی و ابرشهرهای چین با مصرف مقادیر بی‌سابقه‌ای زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی در حال تکاپو هستند. از کشوری که زمانی در آن کسی اتومبیل شخصی نداشت تا بزرگ‌ترین بازار خودروی حال حاضر جهان، چین به‌طور چشمگیری مصرف نفت و گاز خود را افزایش داده است. با وجود میلیون‌ها آسمان‌خراش و ساختمان‌های کوچک‌تر از انواع مختلف در صدها شهر بزرگش که باید خنک و گرم شوند، چین به یک غول مصرف‌کننده انرژی در جهان تبدیل شده است. در نتیجه، چین در کمتر از ۲۰ سال به بزرگترین مصرف‌کننده انرژی جهان تبدیل شده و تقریباً ۲۷ درصد از کل مصرف انرژی جهان را هم‌اکنون به خود اختصاص داده است (BP, 2023).

طبیعتاً چین در امتداد راهبرد امنیت انرژی خود در پی متنوع‌سازی مبادی واردات و همچنین حامل‌های انرژی است که باعث می‌شود نتواند صرفاً به آسیای غربی تکیه کند و روسیه و آسیای مرکزی یکی از مهم‌ترین شرکای بخش انرژی چین هستند. از سوی دیگر، از زمان فروپاشی روابط روسیه با غرب بر سر اوکراین، مشارکت راهبردی چین و روسیه جدی‌تر شده است. روسیه و چین هر دو تمایل دارند تا اصول سیستم بین‌المللی تحت سلطه غرب را به چالش بکشند و آن را تضعیف کنند. اما رابطه میان آن‌ها پیچیده و توأم با بی‌اعتمادی طولانی در هر دو طرف است. در این اثنا، توازن رقابت و همکاری میان چین و روسیه بیشتر در آسیای مرکزی، خاور دور روسیه و قطب شمال مشهود است.

روسیه، توسعه اقتصادی مناطق شرقی خود را یک ضرورت راهبردی می‌داند که در حال حاضر بدون سرمایه‌گذاری چین تقریباً بعید به نظر می‌رسد. در قطب شمال نیز روسیه برای تحقق بسیاری از اهداف خود برای توسعه زیرساخت‌ها و استخراج منابع به چین نیاز دارد. چین مشتاق است تا به پتانسیل اقتصادی قطب شمال دست یابد و با مشارکت با روسیه در

پروژه‌های کلیدی، قدرت فناوری خود را افزایش دهد که نمونه واضح آن حضور شرکت ملی نفت چین و صندوق جاده ابریشم در توسعه مجتمع ال‌ان‌جی یامال و تلاش برای ارتقای فناوری تولید و صادرات ال‌ان‌جی از این طریق بود. با این حال، مسکو نیز به شدت از حاکمیت خود در منطقه خارج نزدیک محافظت می‌کند و این موضوع می‌تواند چالش‌های جدیدی به همراه داشته باشد. چین در رابطه با روسیه و آسیای مرکزی حرف اول را می‌زند و این عدم تقارن قدرت، به خصوص پس از جنگ اوکراین، می‌تواند به ضرر روسیه باشد؛ اما روسیه و چین بیش از رقابت مستقیم از همکاری با یکدیگر سود می‌برند.

اصلاح روابط روسیه با غرب در مقطع فعلی بعید به نظر می‌رسد و این موضوع باعث تقویت مشارکت این کشور با چین خواهد بود. البته، شراکت چین و روسیه ممکن است با انتظارات برآورده نشده از هر دو طرف تعدیل شود. از آنجایی که چین نقش فعال‌تری در امور منطقه‌ای و جهانی دارد، جاه‌طلبی‌های بلندمدت این کشور در قبال روسیه مبهم است. به‌عنوان مثال، چین در قبال تهاجم روسیه به اوکراین وارد کمک‌های نظامی و امنیتی آشکار به روسیه نشد و نشان داد که وارد مناقشات مشکل‌ساز این‌چنینی نخواهد شد. واضح است که تصمیمات چین، مسیر مناسبات چین و روسیه را مشخص می‌کند و روسیه تنها در موقعیت واکنش باقی خواهد ماند. این فرصت مناسبی برای چین است تا حضورش در آسیای مرکزی را به‌عنوان بخش مهمی از ابتکار کمربند و راه تثبیت و تقویت کند.

در آسیای مرکزی، چین به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین بازیگران در حال ظهور است و روسیه نمی‌تواند در این مورد کاری انجام دهد. به‌ویژه بعد از تضعیف موقعیت روسیه بعد از تهاجم اخیر به اوکراین، فرصت برای گسترش نفوذ چین در این منطقه فراهم‌تر شده است. بدین ترتیب، یکی از سناریوهای قوی این است که آسیای مرکزی با افول نسبی روسیه و ظهور چین به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین بازیگران منطقه، شاهد یک موازنه مجدد میان قدرت‌های بزرگ است. رشد چین در آسیای مرکزی به دلیل چشم‌انداز گسترده‌اش برای برقراری اتصال منطقه‌ای، تمایل به منابع انرژی آسیای مرکزی و ذخایر فراوان است که از طریق سرمایه‌گذاری‌های تجاری، وام‌ها، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و چندین نهاد دیگر در آسیای مرکزی دنبال می‌شود. برخلاف غرب، چین هیچ درخواستی برای اصلاحات سیاسی از دولت‌های آسیای مرکزی ندارد و برخلاف روسیه، پکن از فشار سیاسی برای حفظ منطقه در جهت‌گیری کلی خود استفاده نمی‌کند.

این موضوعات و تلاش چین برای ثبات منطقه‌ای که پکن معتقد است از طریق توسعه اقتصادی تضمین می‌شود، همکاری با چین را برای دولت‌های منطقه جذاب کرده است. گسترش نفوذ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک چین در آسیای مرکزی بسیار چشمگیر است، چراکه چین آموخته است که چگونه نگرانی‌های روسیه را در مورد نفوذ فزاینده منطقه‌ای خود مدیریت کند. چین در مدیریت روسیه زیرک است، زیرا پکن با آسیای مرکزی عمدتاً در زمینه مسائل اقتصادی درگیر است و هیچ فشار آشکاری درباره مسائل سیاسی یا نظامی انجام نداده است. مسکو نمی‌تواند از نظر اقتصادی با چین رقابت کند و اقداماتش در اوکراین نخبگان سیاسی برجسته آسیای مرکزی را از خود دور کرده است.

در حالی که قدرت نرم پکن به‌وسیله سرمایه‌گذاری خارجی، همکاری‌های اقتصادی، و توسعه زیرساخت‌های آسیای مرکزی در حال رشد است، هنوز نمی‌تواند با حضور رسانه‌های روسیه در منطقه یا این واقعیت که دانشگاه‌های روسیه، به‌ویژه دانشگاه‌های سبیری، محبوب‌تر از دانشگاه‌های چینی هستند، رقابت کند؛ اگرچه تعداد دانشجویان آسیای مرکزی که به زبان چینی تحصیل می‌کنند، در حال افزایش است. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، تعداد قزاق‌هایی که در چین تحصیل می‌کنند از ۷۸۱ به ۱۳۱۹۸ نفر افزایش یافته است و دولت چین اکنون ۲۳ بورسیه تحصیلی را به شهروندان قرقیزستانی که مایل به تحصیل در مؤسسات آموزش عالی چین هستند، ارائه می‌کند (Inbound Mobility, 2016). پکن با گسترش فرهنگ و زبان از طریق مؤسسات کنفوسیوس به دنبال تقویت جذابیت چین و از بین بردن تصورات منفی و تهدیدآمیزی است که در دوره‌ی شوروی علیه چین در آسیای مرکزی پرورش یافته بود (Ngamsang, 2013). در سال ۲۰۱۹، براساس گزارش یک موسسه دولتی وابسته به وزارت آموزش چین، ۱۳ موسسه کنفوسیوس در آسیای مرکزی فعالیت می‌کردند که ۵ موسسه در قزاقستان، ۴ موسسه در قرقیزستان، ۲ موسسه در ازبکستان و ۲ موسسه در تاجیکستان فعال بودند (Ge, 2023). اگرچه چین تاکنون مفهوم موثر دیپلماسی فرهنگی را در این منطقه به‌طور کامل توسعه نداده، اما ترویج زبان چینی در سال‌های اخیر به نتایج ملموسی رسیده است. مطالعه زبان چینی به‌طور فزاینده‌ای در میان جوانان آسیای مرکزی محبوب شده و به‌عنوان وسیله‌ای برای افزایش فرصت‌های شغلی و رقابت در بازار کار در نظر گرفته می‌شود (Ryskulbekova, 2023).

اگرچه فرهنگ و سیستم آموزشی چین برای جوانان آسیای مرکزی جذاب است، اما زبان‌آموزان چینی در آسیای مرکزی کمی نسبت به زبان چینی ناامید هستند، چراکه آن‌ها با

یادگیری زبان به دنبال این هستند که به مزیت‌های اقتصادی و شغلی دست یابند؛ در حالی که تعداد به نسبت کمی شغل برای این زبان‌آموزان ایجاد شده است (Aliyev, 2019). بنابراین آموزش زبان چینی رابطه‌ای مستقیم با نفوذ اقتصادی چین در این منطقه دارد، زیرا هر چه سرمایه‌گذاری چین در این منطقه افزایش یابد و شغل‌های متعددی برای زبان‌آموزان ایجاد شود، کمک به جذابیت و فراگیری بیشتر زبان چینی نیز می‌شود. با این حال، زبان انگلیسی جایگاه بهتری نسبت به زبان چینی دارد، به این دلیل که هم دانشگاهیان و هم متخصصان این منطقه زبان انگلیسی را فرصتی برای آینده‌ای روشن‌تر تصور می‌کنند. افزون بر این جهانی‌شدن و بین‌المللی‌شدن آموزش زبان انگلیسی منجر به تبدیل شدن این زبان به یک رسانه آموزشی در تمام سطوح تحصیلی شده است (Bezborodova and Radjabzade, 2021).

با همه این‌ها، بسیاری از اهداف چین در منطقه - توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و دور نگه داشتن غرب - یا با دستور کار روسیه منطبق است یا حداقل با منافع کوتاه‌مدت روسیه در تضاد نیست. اولویت اول چین برای آسیای مرکزی، ارتقای ثبات سیاسی و اجتماعی از طریق توسعه است. با توجه به هرج‌ومرجی که از سال ۲۰۱۱ آسیای غربی و اوکراین را از سال ۲۰۱۴ متلاطم کرده است، هم چین و هم روسیه از پتانسیل بی‌ثباتی سیاسی و اعتراض مردمی در منطقه بیم دارند و هر دو به دنبال حفظ وضعیت موجود سیاسی هستند. هر دو کشور همچنین نگران انتقال افراط‌گرایی از افغانستان و آسیای غربی به آسیای مرکزی هستند که هم‌مرز با چین و روسیه است، با این حال، رویکردهای آنها برای تأمین ثبات در منطقه متفاوت است. ترس از بی‌ثباتی در آسیای جنوبی و مرکزی، پکن را مجبور کرده است تا به آرامی تحرکات امنیتی خود را در آنجا افزایش دهد. گسترش منافع تجاری چین در آسیای مرکزی، خاور دور روسیه و قطب شمال، احتمالاً رقابت‌پذیری شرکت‌های چینی را در مقیاس جهانی افزایش می‌دهد.

هرچند همکاری‌ها با روسیه در حوزه امنیتی و نظامی، از حوزه‌های جذاب چین برای دولت‌های آسیای مرکزی بوده است، که نمودش در پایگاه‌های نظامی، معاملات تسلیحاتی و همکاری‌های ضد تروریسم آن از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی است، می‌تواند به تصویر این کشور در چشم ملت‌های این منطقه آسیب جدی وارد کند و نقش مداخله‌جویانه آن را پررنگ‌تر کند. چین اما تلاش‌های خود را برای ایجاد ثبات در منطقه از طریق قدرت اقتصادی متمرکز می‌کند، نه ابزارهای نظامی یا امنیتی. برخلاف مسکو، چین تمایلی به برجسته کردن نفوذ ژئوپلیتیک خود یا ادعایی بر این منطقه به‌عنوان بخشی از «حوزه نفوذ ممتاز» خود ندارد.

برای پکن حفظ نفوذ خود در دریای چین جنوبی بسیار مهم‌تر از نمایش قدرت در آسیای مرکزی است. در عوض، چین به دنبال ایجاد ثبات در اطراف منطقه خودمختار سینکیان در غرب کشور است که در آن منطقه جمعیت مسلمان ترک اویغور ساکن‌اند.

علاوه بر موضوع امنیتی، چین در آسیای مرکزی در پی یافتن بازارهای خارجی برای شرکت‌های چینی فعال در حوزه ساخت‌وساز و توسعه زیرساخت‌ها، به‌عنوان بخشی از راهبرد «رو به بیرون» است. اگرچه شرکت‌های روسی نیز مایل‌اند در پروژه‌های زیربنایی مختلف در آسیای مرکزی مناقصه کنند، اما این بخش در حال حاضر مملو از شرکت‌های ژاپنی، کره جنوبی، ترکی و سایر نهادها است که بسیاری از آن‌ها رقابتی‌تر از هم‌تایان روسی خود هستند. هدف دیگر پکن در امتداد ابتکار کمربند و راه، ایجاد شبکه‌های حمل‌ونقلی است که به حمایت از جریان صادرات چین کمک می‌کند. وقتی صحبت از ابتکار کمربند و راه به میان می‌آید، چین نگران سود کوتاه‌مدت نیست و طبق گزارش‌ها انتظار دارد تا ۳۰ درصد از سرمایه‌گذاری خود در آسیای مرکزی را از دست بدهد (Miller, 2017). با این حال، همچنان به ساخت جاده‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و خطوط ریلی پرسرعت در سراسر منطقه ادامه می‌دهد و برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای اتصال آن‌ها به سایر پروژه‌های زیربنایی نزدیک‌تر به اروپا در بخش حمل‌ونقل و لجستیک دارد. شرکت‌های چینی همچنین شروع به جست‌وجوی فرصت‌هایی برای نصب فیبر نوری و دیگر شبکه‌های مخابراتی در سراسر منطقه کرده‌اند و اتصال دیجیتالی را از چین به آسیای مرکزی و فراتر از آن ایجاد می‌کنند. چین امیدوار است که برخی از این شبکه‌های فیزیکی و دیجیتالی جدید سودآور شوند و به‌طور هم‌زمان با تقویت حکومت‌های دوست - اگر نگوییم طرفدار چین - به این مسیر کمک کنند.

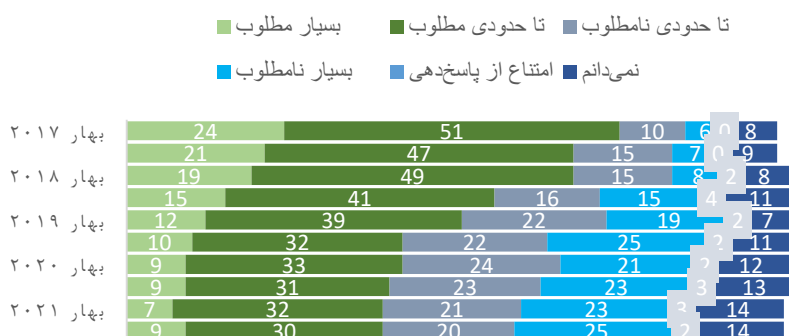
• **ادراک مردم در آسیای مرکزی نسبت به چین.** چین از اولین کشورهایی بود که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی را به رسمیت شناخت و به‌سرعت در هفته اول ژانویه ۱۹۹۲ با قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان روابط دیپلماتیک برقرار کرد. پس از سه دهه، چین خود را به‌عنوان یک شریک خارجی پیشرو در آسیای مرکزی معرفی کرده است. در این فرآیند، پکن مبالغه‌آمیز و غیرقابل تصویری را در منطقه و فراتر از آن سرمایه‌گذاری کرده است. با این حال، همچون بسیاری از مناطق دیگر دنیای شرق، در آسیای مرکزی نیز نگاه به چین عموماً دوقطبی و ناشی از تقابل دیدگاه‌های مختلف درباره نیت چین از حضور در این کشورها و همکاری با آن‌هاست. مشابه این وضعیت را در ایران، عراق، اندونزی، سری‌لانکا، مالزی و ... نیز شاهدیم.

البته این نگاه‌های متفاوت با پویایی‌های حاکم بر روابط بین‌الملل و همچنین نوع تعاملات چین با کشورهای مختلف دستخوش تغییرات گاه بزرگی شده است. به‌عنوان نمونه، نظرسنجی‌های موسوم به فشارسنج آسیای مرکزی (Central Asia barometer survey insights, 2021) که یک پروژه پژوهشاتی در مقیاس بزرگ دوسالانه است، با انجام مصاحبه با ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پاسخ دهنده در هر کشور، جو اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در کشورهای آسیای مرکزی اندازه‌گیری کرده و نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که میزان مقبولیت چین در دو کشور قزاقستان و ازبکستان رو به کاهش بوده است. این نظرسنجی که در چندین موج از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ انجام شده، نمایش می‌دهد در حالی که میزان سرمایه‌گذاری چین در قزاقستان و ازبکستان و قرقیزستان به‌طور چشمگیری افزایش یافته، دیدگاه مردم این کشورها نسبت به چین منفی‌تر شده است.

کل سرمایه‌گذاری چین در آسیای مرکزی در پایان سال ۲۰۲۰ به ۴۰ میلیارد دلار رسید که بیش از نیمی از آن به قزاقستان سرازیر شده است. در ازبکستان نیز، از افزایش شدید سرمایه‌گذاری پکن در تاشکند و رسیدن مجموع حجم سرمایه‌گذاری چین به سقف ۹ میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۲۱ خبر داده شده است. همچنین فقط در سال ۲۰۱۹، چین ۳۰۱ میلیون دلار در قرقیزستان سرمایه‌گذاری کرد. اما این سرمایه‌گذاری عظیم در قالب ابتکار کمربند و راه بر روحیه شهروندان آسیای مرکزی در مورد چین تأثیر چندان مثبتی نداشته است.

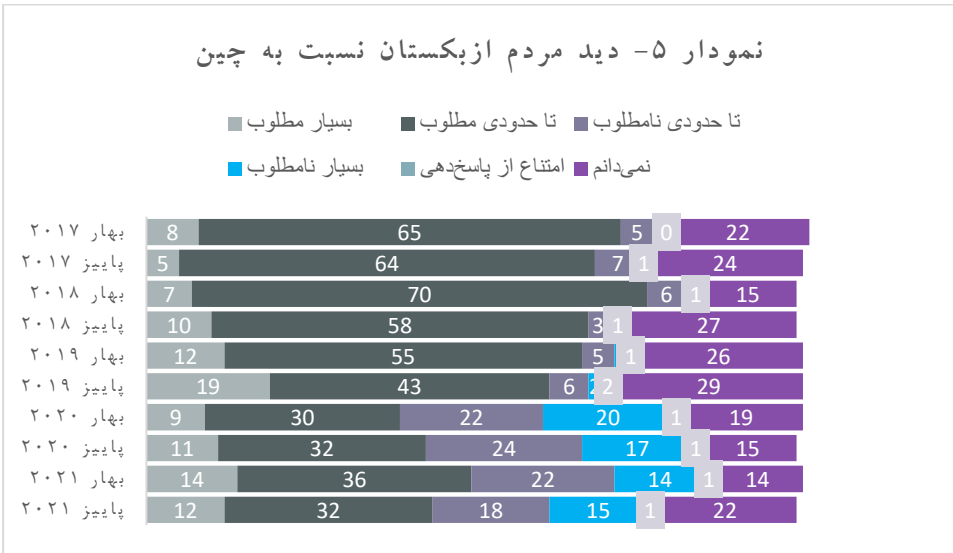
مردم قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان به این پرسش مشترک پاسخ داده‌اند که «در حالی که کشورهای دیگر را نیز در نظر دارید، لطفاً بگویید که نظرتان نسبت به چین، بسیار مطلوب، تا حدودی مساعد، تا حدودی نامطلوب یا بسیار نامطلوب است؟»

نمودار ۴- دید مردم قزاقستان به چین

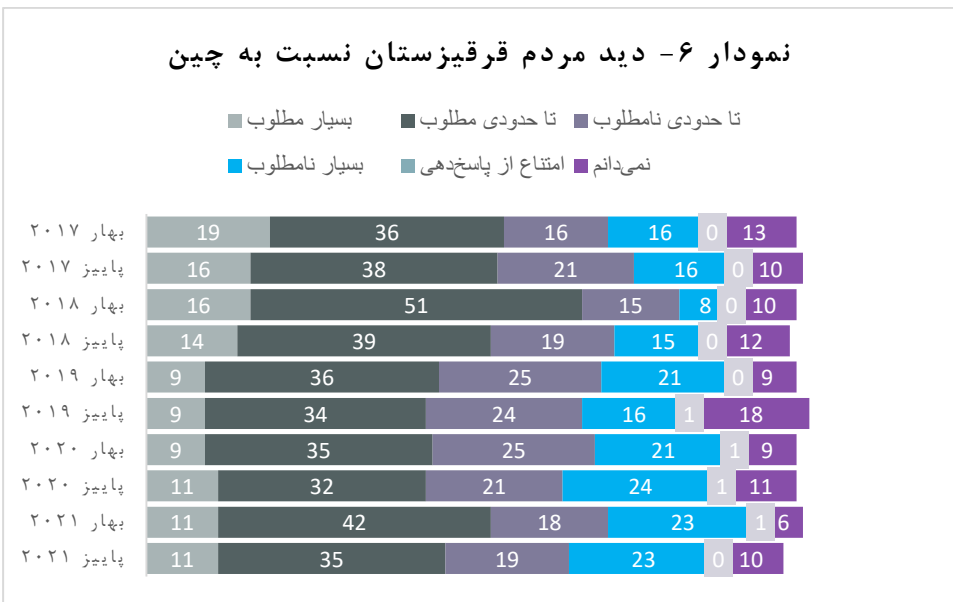


(Source: Central Asia Barometer, 2023)

تأثير جنگ اوکراین بر آسیای مرکزی: ظهور چین با پررنگ شدن سیاست چندجانبه‌گرایی □ ۱۰۷



(Source: Central Asia Barometer, 2023)



(Source: Central Asia Barometer, 2023)

نمودارهای ۴ تا ۶ نشان می‌دهد که این موضوع در آسیای مرکزی از چه قرار است. در حالی که بهار سال ۲۰۱۷ حدود ۷۵ درصد مردم قزاقستان نگاه مطلوب و مساعدی نسبت به چین داشتند، در پاییز ۲۰۲۱ این میزان به ۳۹ درصد رسید که نشانه مشهودی از تضعیف موقعیت چین میان مردم همسایه غربی‌اش است. توضیح کلیدی احتمالی برای این روند را می‌توان در واکنش قزاقستان به نقض حقوق بشر در استان سین‌کیانگ چین دانست که محل زندگی اویغورهایی است که بعضی از هم‌کیشان‌شان در آن سوی مرز در قزاقستان زندگی می‌کنند. به‌طور مشابه، نگرش مردم ازبکستان نسبت به چین در سال‌های اخیر تضعیف شده است. کسانی که چین را با چشم‌انداز مطلوب یا تا حدودی مساعد می‌نگریستند، از ۷۳ درصد در بهار ۲۰۱۷ به ۴۴ درصد در پاییز ۲۰۲۱ رسیده‌اند. تا سال ۲۰۲۰، بدهی ازبکستان به چین به حدود ۳ میلیارد دلار رسید که معادل ۲۰ درصد از کل بدهی خارجی این کشور است.

نگرانی‌های مربوط به «تله بدهی» و گسترش خزنده چین در آسیای مرکزی که به‌ویژه از سوی ایالات متحده تبلیغ و در سراسر منطقه منعکس می‌شود، به تدریج جدی‌تر شده است. در واقع، این موضوع، نه تنها برای ازبکستان، بلکه برای همه کشورهای درگیر در ابتکار کمربند و راه مورد توجه قرار گرفته است که دولت‌ها در معرض خطر اتخاذ سیاست اتکای بیش‌ازحد به یک طلبکار اصلی، یعنی چین هستند. با تداوم این روند، این دولت‌ها ممکن است قربانیان طلبکار شوند که اهرم‌های مالی و اقتصادی زیادی برای دستیابی به منافع خود در دست دارد. در قرقیزستان، نگاه دوقطبی طی همه سال‌های نظرسنجی حاکم بوده و اختلاف زیادی در نگرش مردم نسبت به چین ایجاد نشده است. این نگاه مثبت به چین از ۵۵ درصد در بهار سال ۲۰۱۷ به ۴۶ درصد در پاییز ۲۰۲۱ کاهش یافته است. مطابق آمار نظرسنجی فشارسنج آسیای مرکزی در ترکمنستان در پاییز ۲۰۲۱، ۴۲ درصد از مردم ترکمنستان نسبت به چین نگاه مثبتی داشته‌اند. این در حالی است که اقتصادی ترکمنستان کاملاً وابسته به صادرات گاز طبیعی این کشور به چین و سرمایه‌گذاری چین در بخش انرژی ترکمنستان است.

در مجموع، ابعاد مختلفی در این نگرش منفی عمومی آسیای مرکزی نسبت به چین وجود دارد که در امتداد مسائل مبتنی بر تعصب هویتی، رویه‌های تجاری چین در منطقه و رویکرد دولت‌های مربوطه به روابط خود با چین است.

۳. بازیگران آسیای مرکزی پس از جنگ اوکراین

سناریوی سومی که کاهش نفوذ و منابع قدرت روسیه در آسیای مرکزی، پیش روی جمهوری‌های آسیای مرکزی قرار می‌دهد، افزایش تعاملات با کشورهای مهم منطقه‌ای چون

ترکیه، هند، و ایران است. مدل ترکیه به‌عنوان الگویی برای کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی، مورد علاقه کشورهای غربی نیز بود؛ یک نظام سیاسی سکولار بر پایه لیبرال دموکراسی (Aydin, 2004). در ابتدای فروپاشی شوروی و روی کار آمدن جمهوری‌های آسیای مرکزی، سه کشور مهم منطقه‌ای روسیه، ایران، و ترکیه در رقابت برای نفوذ در این منطقه بودند؛ چرا که در میان دیگر کشورها، این سه کشور از منابع قدرتی چون تاریخ مشترک با ملت‌های این منطقه، قومیت، فرهنگ، و زبان مشترک برخوردار بودند. شوروی در ۱۹۹۱ فروپاشید و نظام سیاسی این منطقه به پنج دولت-ملت مستقل تبدیل گشته بود؛ اما همچنان ارتباطات قوی مقامات جمهوری‌های نوین این منطقه با سیاست‌مداران روسیه موجب می‌شد که استقلال در نظام‌های سیاسی آن‌ها به معنای واقعی رخ ندهد. اجباری شدن زبان نوشتار و رسمی آسیای مرکزی به روسی، و پیروی از قوانین و هنجارهای شوروی تا حدودی موجب بر ساخته شدن عوامل هویتی همچون زبان و فرهنگ ملت‌های این منطقه شده بود؛ اما به دلیل اجبار و استفاده از روش قهری بابت ایجاد تغییر (قدرت سخت)، همچنان تمایل به مقاومت در مردم از ابتدا تاکنون به چشم می‌خورد.

زبان گفتار در اکثریت مردم این منطقه ترکی و بعد فارسی است، و اکثریت مردم دارای دین اسلام هستند. همین مسئله نشان از مقاومت مردم و شکست نسبی روسیه در استفاده از روش قهری جهت برساختن عوامل هویتی این منطقه می‌دهد. در میان رقابت این سه کشور منطقه‌ای، قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی به‌وضوح مزیت نسبی داشته است؛ سابقه حضور و مداخلات سیاسی روسیه، و استفاده از روش‌های قهری چه در دوران شوروی و چه بعد از استقلال، موجب شده که تصویر مطلوبی از این کشور در میان ملت‌های این منطقه حاصل نشود. از طرف دیگر برخی مداخلات ایران در حوزه مذهبی و الگوی خاص انقلاب ایران و امکان گسترش آن توسط این کشور، مزیت‌های آن را در حوزه‌های تاریخی، قومی، زبانی و ... تا حد زیادی کم‌رنگ کرد (Allison and Jonson, 2004). در این میان جذابیت آسیای مرکزی برای کشورهایی چون هند و ژاپن از منظر منابع غنی انرژی و طبیعی این منطقه بود، و از طرف دیگر امکان سرمایه‌گذاری این کشورها جهت توسعه آسیای مرکزی، از جذابیت‌های (قدرت نرم) این کشورهای مهم منطقه‌ای برای دولت‌های آسیای مرکزی محسوب می‌شد که در رقابت چین و هند و ژاپن در بهره‌برداری از منابع غنی انرژی و توسعه زیرساخت‌های این منطقه، چین پیروز این میدان شد.

حال در صورت ادامه‌دار شدن جنگ اوکراین و هدررفت منابع و توان روسیه در باتلاق این جنگ، احتمال کاهش نفوذ این کشور و از دست دادن منابع قدرت خود در حیاط خلوت‌اش، شدیدتر می‌شود. با این حساب اگر سناریوی دوم که افزایش نفوذ چین در آسیای مرکز است را کنار بگذاریم، سناریوی محتمل بعدی افزایش نفوذ و قدرت ترکیه، ایران، و هند در این منطقه است. هر چند ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز همچنان دارای منابع قدرت جدی در آسیای مرکزی هستند، همانطور که بالاتر ذکر شد به‌عنوان مثال مردم این منطقه به یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم نسبت به زبان چینی و بقیه، تمایل بیشتری دارند و رسانه‌های غربی در این منطقه دست بالاتر را دارند، با این حال به‌خصوص پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان، نفوذ در این منطقه از اولویت‌های بلوک غرب در حال حاضر به حساب نمی‌آید.

ترکیه علاوه بر اینکه طی سال‌های گذشته به‌شدت بر عوامل هویتی مشترک خود در آسیای مرکزی و قفقاز کارکرده است، نقش آن از منظر ژئوپلیتیکی نیز برای کشورهای آسیای مرکزی حیاتی است؛ علی‌الخصوص بعد از جنگ اوکراین و بالا رفتن ریسک ترانزیت از خاک روسیه که موجب شده است تا اکتبر ۲۰۲۲، تبادلات از این مسیر (چین، قزاقستان، روسیه، بلاروس) ۴۰ درصد نسبت به قبل از جنگ کاهش پیدا کرده بود (Eldem, 2022). حال بعد از جنگ اوکراین نقش حیاتی ترکیه برای کشورهای آسیای مرکزی (کریدور میانی عبورکننده از قفقاز جنوبی و ترکیه) افزایش پیدا کرده است.

با این حال همچنین ظرفیت‌های ترانزیتی ایران و همکاری‌های اقتصادی، به‌خصوص در خصوص تجارت غلات و دیگر محصولات کشاورزی، بعد از جنگ به‌عنوان مسیر جایگزین کریدور میانی و پتانسیل رسیدن به خلیج فارس و دریای عمان از طریق خاک ایران، برجسته شده است. ظرفیت دیگری که در حوزه امنیتی وجود دارد و می‌تواند تعاملات ایران و هند را با کشورهای آسیای مرکزی به‌شدت تقویت کند، همکاری‌ها و دغدغه مشترک این کشورها در خصوص معضل امنیتی افغانستان و مقابله جهت رشد افراط‌گرایی، تروریسم و انواع جرائم سازمان‌یافته فراملی است؛ به‌خصوص که اولویت امنیتی کنونی روسیه معطوف به اوکراین است، درحالی‌که پیشتر، این کشور در حوزه امنیتی نقش هژمونیک را در این منطقه بازی می‌کرد. به نظر می‌آید که با وجود ادامه‌دار شدن جنگ، آسیای مرکزی نیازمند شراکت‌های امنیتی جدید باشد. با افزایش معضلات امنیتی منطقه‌ای و موافقت کشورهای آسیای مرکزی جهت عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، این فرضیه را تقویت می‌کند که دولت‌های آسیای مرکزی دریافته‌اند که اکنون همگرایی و همکاری‌های منطقه بسیار حیاتی

است و موثرتر از همکاری‌های فرمانطقه‌ای عمل می‌کند؛ چرا که می‌توان به همکاری‌های صادقانه آن‌ها، به دلیل وجود تهدید مشترک، اعتماد کرد. این گزاره به‌خصوص پس از خروج ناگهانی ایالات متحده و اعضای ناتو از افغانستان تقویت شد.

نتیجه‌گیری

جنگ روسیه و اوکراین موجب پویایی‌های نوین ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی شده و چشم‌انداز هژمون مسکو را که بیشتر ریشه در میراث مشترک شوروی، هم‌چون یکپارچگی اقتصادی دارد، به‌خصوص با تداوم جنگ دچار تزلزل کرده است. تمرکز روسیه بر روی تخصیص منابع نظامی در جنگ اوکراین و پیشبرد اهدافش، آینده منابع قدرت این کشور در آسیای مرکزی را به‌خصوص در حوزه امنیتی دچار ابهام کرده است. به‌ویژه با بررسی موضع‌گیری‌های کشورهای این منطقه نسبت به این جنگ و دیدگاه مردم منطقه، این فرضیه که احتمال دارد خلاء احتمالی قدرت روسیه در آسیای مرکزی با قدرت و یا قدرت‌های دیگری جایگزین شود، تقویت شده است. هرچند که تجارت به‌خصوص در بخش انرژی و بحث کارگرهای مهاجر کشورهای آسیای مرکزی در منطقه وابستگی متقابل را تا حدی حفظ خواهد کرد.

با کاهش تمرکز روسیه بر آسیای مرکزی، چین فرصت مناسبی برای گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی دارد. این کشور به‌سرعت رد پای اقتصادی، جریان‌های تجاری و کمک‌های مالی برای توسعه اقتصادی را در منطقه آسیای مرکزی از طریق طرح کمربند و جاده و سایر برنامه‌های سرمایه‌گذاری، به‌خصوص در بخش انرژی گسترش داده است. قدرت اقتصادی چین به این کشور اجازه می‌دهد تا نفوذ اقتصادی خود در منطقه را افزایش دهد. با وجود این، اهداف چین در آسیای مرکزی از جمله توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و جلوگیری از نفوذ غرب در منطقه، با دستور کار روسیه همسو بوده و یا با منافع کوتاه‌مدت روسیه در تضاد نیست. همچنین این نکته حائز اهمیت است که کشورهای آسیای مرکزی نسبت به وابستگی بیش‌ازحد از نظر اقتصادی، امنیتی و سیاسی خود محتاط هستند. جمهوری‌های آسیای مرکزی به دنبال متعادل کردن همکاری مستمر با روسیه در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی در کنار تعمیق روابط با چین برای دریافت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌ها در جهت توسعه‌شان هستند. جنگ اوکراین و روسیه باعث شده است که دولت‌های این منطقه به دنبال سیاست‌های مستقل‌تری از کرملین باشند. تلقی مردم آسیای مرکزی نسبت به چین عموماً دوقطبی بوده و دیدگاه‌های متفاوتی در مورد قصد چین برای حضور در این کشورها و همکاری

با آن‌ها وجود دارد. در حالی که کل سرمایه‌گذاری چین در آسیای مرکزی در پایان سال ۲۰۲۰ به ۴۰ میلیارد دلار رسید، دیدگاه مردم نسبت به چین منفی‌تر شده است.

کاهش نفوذ و منابع قدرت روسیه در آسیای مرکزی فرصتی مهم برای دولت‌های این منطقه جهت افزایش تعاملات با کشورهای مهم منطقه مانند ترکیه، هند و ایران است. به نظر می‌رسد فضای مساعد مجددی برای ایران در زمینه نقش‌آفرینی در آسیای مرکزی فراهم شده است. فضای مساعد قبلی در پس از فروپاشی اتحاد شوروی بود که ایران از آن تا اندازه‌ای استفاده کرد. با وجود اینکه فرصت‌های همکاری و گسترش نفوذ ایران به میزان منابع قدرت تاریخی و فرهنگی‌اش در این منطقه، مورد بهره‌برداری قرار نگرفت، با این حال این ایران بود که کشورهای آسیای مرکزی را در سه سازمان و پیمان جهانی یعنی ملل متحد، سازمان همکاری‌های اسلامی، و سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) عضو کرد. ایران در گذشته به بخش‌های متفاوت آسیای مرکزی حداقل از لحاظ آموزش و راه‌اندازی بخش‌های گمرکی، بانکی، هوایی، تعرفه، و دانشگاهی کمک نموده است. اما با توجه به شرایط پیش‌آمده پس از جنگ اوکراین، یک‌بار دیگر برای ایران فرصت تازه‌ای پدید آمده است تا با هم‌کیشان و هم‌زبانان خود در آسیای مرکزی تعاملات جدی‌تر و نزدیک‌تری برقرار نماید. یکی از حوزه‌های همکاری می‌تواند در زمینه انرژی به خصوص حامل‌های انرژی پاک مانند آب، تبادل برق، و سواب گاز طبیعی باشد. هر چند که با نگاهی به تلاش‌های جدی ترکیه در سال‌های گذشته مبنی بر نفوذ فرهنگی و برساختن عوامل هویتی نوین مشترک، این کشور پتانسیل بالایی را جهت پر کردن خلأ قدرت روسیه خواهد داشت.

منابع و مآخذ

لاتین

- Akchurina, Victoria and Dolidze, Anna (2023) "The Impact of Sanctions against Russia on Central Eurasia: A New Great Game through a Feminist Lens," **Journal of International Women's Studies**: Vol. 25: Issue. 6. <https://vc.bridgew.edu/jiws/vol25/iss6/5>
- Aliyev, Nurlan. (December 19, 2019). "China's Soft Power in Central Asia". Retrieved on December 2, 2023. Available at: <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13599-chinas-soft-power-in-central-asia.html?tmpl=component&print=1>
- Allison, R., & Jonson, L. (Eds.). (2004). **Central Asian security: the new international context**. Rowman & Littlefield.
- Aydin, M. (2004). "Foucault's pendulum: Turkey in Central Asia and the Caucasus", **Turkish studies**, 5(2), pp: 1-22.

- Bezborodova, A., & Radjabzade, S. (2021). English in higher education in the Kyrgyz Republic, Tajikistan, and Uzbekistan. **World Englishes**, 41(1), 72–91. Available at: <https://doi.org/10.1111/weng.12556>
- Blackwood et al. (2023). Central Asia: Implications of Russia's war in Ukraine. Congressional Research Service.
- BP Statistical Review of World Energy, 2023. Available at: <https://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy/downloads.html>
- Caspian Policy Center (2022). **The Caspian Region's Reactions to the Current Russo-Ukrainian War, a Series: Turkmenistan**. <https://www.caspianpolicy.org/research/security-and-politics-program-spp/the-caspian-regions-reactions-to-the-current-russo-ukrainian-war-a-series-turkmenistan>
- Central Asia barometer survey insights, 2022, Available at: <https://ca-barometer.org/en>
- Civic IDEA. (2022). "Can Russia find more friends and supports in war against Ukraine". <https://civicidea.ge/wp-content/uploads/2022/07/central-asia-may.pdf>
- Cooley, A. (2023). **International Ordering and Great Power Competition: Lessons from Central Asia**. Brookings Institution.
- Dadabaev, T., & Sonoda, S. (2023). Silence is golden? Silences as strategic narratives in Central Asian states' response to the Ukrainian crisis. **International Journal of Asian Studies**, 20(1), pp: 193-215.
- Central Asia Barometer, 2023, Presentation on Public Attitudes in Central Asia Towards the Russia-Ukraine War: 21st of April event (ca-barometer.org)
- Dumoulin, M. (2023). Steppe change: how Russia's war on Ukraine is reshaping Kazakhstan. **European Council on Foreign Relations**. <https://ecfr.eu/publication/steppe-change-how-russias-war-on-ukraine-is-reshaping-kazakhstan/>
- Eldem, T. (2022). Russia's war on Ukraine and the rise of the Middle Corridor as a third vector of Eurasian connectivity: Connecting Europe and Asia via Central Asia, the Caucasus, and Turkey., **SWP**.
- Engvall, J. (2023). Is Central Asia Moving Beyond Russia, An Interview with John Engvall, **Voices on Central Asia**.
- Engvall, J. (2022). Russia's war in Ukraine: Implications for Central Asia. **Central Asia-Caucasus Analyst**. Retrieved July 29, 2023, <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13712-International>.
- Eurasianet, (2023). "Public in Kyrgyzstan pressed from all sides by Russia's war in Ukraine". <https://eurasianet.org/public-in-kyrgyzstan-pressed-from-all-sides-by-russias-war-in-ukraine>
- Freeman, C., Helf, G., & McFarland, A. (2023). **China Looks to Fill a Void in Central Asia**. Ge, Anna, (MAY 17, 2023), "China-Central Asia Relations: In Region, For Region", **The Astana Times**, Retrieved on December 2, 2023. Available at: <https://astanatimes.com/2023/05/china-central-asia-relations-in-region-for-region/>
- Huasheng, Z. (2021). **Russia and its Near Abroad: challenges and prospects**. **Valdai Discussion Club**. <https://valdaiclub.com/a/highlights/russia-and-its-near-abroad-challenges-and-prospect/>
- ICMPD Migration Outlook Eastern Europe and Central Asia 2023. Centre for Migration Policy Development.
- Inbound Mobility – Most Recent: Project Atlas – China, (2016). Available at: <https://www.iie.org/research-initiatives/project-atlas/explore-data/china-2/>
- Jiao Wang, Jingjuan Jiao. (2018). "An Organizational Model and Border Port Hinterland for the China-Europe Railway Express". **Journal of Geographical Sciences**.
- Kaya, E. (2023). **Russia-Kazakhstan Energy Ties Gain Momentum**, <https://www.ankasam.org/russia-kazakhstan-energy-ties-gain-momentum/?lang=en>

- Khan, K. H., & Koch, H. (2021), **Emerging Central Asia: Managing Great Power Relations**; New Jersey: Blue Dome
- Korteweg, R. (2018). Energy as a tool of foreign policy of authoritarian states, in particular Russia. **European Parliament**.
- Libman, A., Obydenkova, A., Erik, D. (2022). How the War Affects the Eurasian Economic Union. **Russian Analytical Digest**, No. 287. <https://www.research-collection.ethz.ch/handle/20.500.11850/577719>
- Miller, T., (2017). **China's Asian Dream-Empire Building Along the New Silk Road**. London: ZED Books.
- Nakhle, C. (2023). "Kazakhstan and the EU: Common interest in energy security". Available at: <https://www.gisreportsonline.com/r/eu-energy-security/>
- Ngamsang, S. (2013). Confucius Institutes as Instruments of Soft Power: Comparison with International Rivals. **Journal of Education and Vocational Research**, 4(10), pp: 302–310. <https://doi.org/10.22610/jevr.v4i10.135>
- Nye, J. S. (1990). **Soft power. Foreign policy**, (80), pp: 153-171.
- Nye Jr, J. S. (2011). **The future of power**. Public Affairs.
- Olimat, Muhamad S. (2023) "The Russia-Ukraine War: Geopolitical and Gendered Impact on the Greater Middle East," **Journal of International Women's Studies: Vol. 25: Iss. 6, Article 2**. Available at: <https://vc.bridgew.edu/jiws/vol25/iss6/2>
- OPEC, (2023)**. Available at: https://asb.opec.org/data/ASB_Data.php
- Pirani, Simon, (2019). Central Asian Gas Prospect for the 2020s; **Oxford Institute for Energy Studies**.
- Quadri, S. S. A., Mashwani, H. F., Abbas, F., Kamil, A., Hafeez, H. M. T., & Kamil, G. (2023). Impact of Russia-Ukraine war on Central Asia and the future geopolitical scenario of the world. **PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology**, 20(2), 156-165.
- Ryskulbekova, Aigerim. (July 22, 2023). "China's Education Projects as an Instrument of Soft Power in Kazakhstan". **Central Asian Bureau for Analytical Reporting**. Retrieved on December 2, 2023. Available at: <https://cabar.asia/en/china-s-education-projects-as-an-instrument-of-soft-power-in-kazakhstan>
- Sahakyan, M. (2021). The New Great Power Competition in Central Asia: Opportunities and Challenges for the Gulf, **Anwar Gargash Diplomatic Academy**
- Shao, J. (2019). Exploring China's "sharp power": conceptual deficiencies and alternatives. **Transcommunication**, Tokyo, 6(2), 129-148.
- Stronski, P. (2022). The Common Theme in Central Asia's Response to Russia's Invasion of Ukraine, **Carnegie Endowment for International Peace**
- Tolipov, F. (2022). Uzbekistan between Ukraine and Russia: The curse of positioning. **The Central Asia-Caucasus Analyst**. <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13719-uzbekistan-between-ukraine-and-russia-the-curse-of-positioning.html>
- Walker, C., Kalathil, S., & Ludwig, J. (2020). The cutting edge of sharp power. **Journal of Democracy**, 31, p. 124
- Zheng, C., & Jincan, Y. (2023). A Realistic Analysis of the Challenges and Opportunities of Providing the Food Security in Central Asia from the Perspective of Russia-Ukraine Conflict. **Гуманитарные науки. Вестник Финансового университета**, 13(2), pp: 42-55.
- Znatta, L. (2023). EU—Turkmenistan Energy Cooperation Failure: It is not only about Geopolitics. In Thomas Kruessmann (ed.), *The Caucasus in Europe-Asia connectivity, the promise of infrastructure and trade*. **European Studies in the Caucasus**, Vol. 3. Pp. 131-163. Available at: <https://ibidemverlag.de/downloads/9783838215747.pdf#page=132>.